

## بیکار را بخوانید و در تکثیر و پخش آن بکوشید

- حرفهای زحمتگنان از نشریات زحمتگشان
- خلق‌ها و مسئله ملی
- اخبار کشتار سنجندج
- راهپیمایی غذا مهربانی‌یستی دانشجویان و دانش‌آموزان و حمله ارتجاع ۹
- زیکزاکهای غذا انقلاب و انعکاس یکجانبه آن در صفا انقلاب
- گرامی باد یکدمین سالگرد تولد حیدرخان عموا و غلی (۲)
- حمله به میتینگ فدائیان را محکوم می‌کنیم
- بازم جنایت ارتجاع! (در باره اعدام برادران عسکری)
- صفحه ۵
- صفحه ۶
- صفحه ۶
- صفحه ۹
- صفحه ۱۰
- صفحه ۱۱
- صفحه ۲۰
- صفحه ۲۰

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

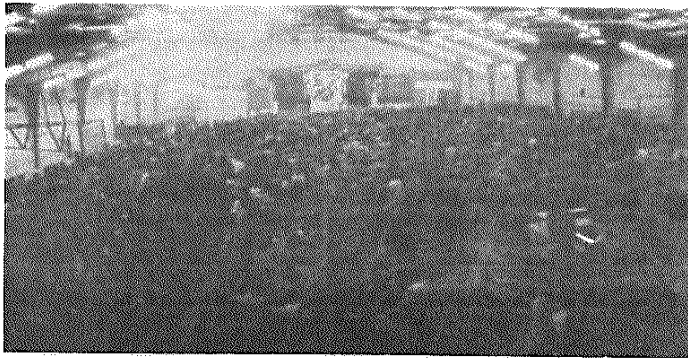
# بیکار

دو شنبه ۱۰ دی ماه ۱۳۵۸ بهای ۲۰ ریال

9861

کتابخانه ایرانی  
Iranische Bibliothek in Hannover  
تهران

## فلسطین - ایران : یک سنگر



گزارشی از مراسم بزرگداشت سالگرد انقلاب فلسطین در دانشگاه صنعتی شریف در صفحه ۸

## انتخابات ریاست جمهوری و موضوع کمونیستها

هیئت حاکمه آخرین مراحل "تشبیت" و "تحکیم" مبنای جمهوری اسلامی و "حکومت عدل الهی" را با سرعت خارق العاده‌ای که ناشی از ترس و وحشت بیحد آنها از موقعیت متزلزل و شکننده‌شان در متن ائتلافی نوین انقلابی جامعه است، به پیش می‌برد. انتخابات رئیس‌جمهور و سپس انتخابات و تشکیل مجلس شورای ملی آخرین حلقه‌های این اقدامات "تشبیت‌کننده" و قوام‌بخشنده دستگاه حکومتی جدید است. انتخابات ریاست جمهوری، که رژیم اکنون در شب و تاب به سرانجام رساندن آن بصری برد، در شرایطی صورت می‌گیرد که تفاذهای درونی هیئت حاکمه، به شدیدترین وجهی چهره خود را بقیه در صفحه ۲

## "حذف بهره‌و امها" یک رفرم بورژوائی در چهارچوب حفظ سرمایه‌داری وابسته

استثمار خلق‌ها آکا می‌دارند. در واقع بایستی گفت که سیستم بانکی در کشور وابسته‌ای چون کشور ما، با مرتبط کردن رشته‌های مختلف سرمایه‌داری از قبیل سرمایه‌داری صنعتی، بقیه در صفحه ۱۹

دو سال قبل با آغاز ائتلافی بوده. ای، همه‌شان بودیم که توده‌ها چگونه خشم و نفرت خود را با حمله به بانکها و دیگر موسسات وابسته به رژیم سابق نشان داده و ثابت می‌کردند که بدرستی به نقش و اهمیت بانکها در

## قطع مذاکرات صلح در کردستان و توطئه‌های جدید هیئت حاکمه

هدف هیئت ویژه دولت در کردستان، بوجود آوردن یک قطب سازشکار از جریا نهیای بورژوائی ارتجاعی در کردستان و سپس معامله با این قطب بر سر منافع خلق کرد است. صفحه ۶



■ دهقانان مبارز امیرآباد

■ گزارشی از مبارزات دهقانان روستای "کجلده" از توابع آمل

■ صفحه ۲



■ راهپیمایی ضد امپریالیستی کارگران سندیکی پروژه‌های آبادان و حومه‌ای

■ تحصن کارگران بیکار قزوین و تحریکات حزب جمهوری اسلامی

■ از کارگران بیکاری اکریل (اصفهان) متحصن در اداره کار حمایت کنیم

■ حرکت پیروزمندان دیگری از کارگران کارخانه عبیدی

■ گزارشی از تجمع و راهپیمایی کارگران بیکار تهران

■ پیروزی کارکنان صنعت نفت و عقب نشینی مفتضحانه رژیم

■ گفتگویی بایکی از کارگران کارخانه بونز

■ صفحه ۲

## بار دیگر دعوای ولایت فقیه و خیانت لیبرالها

■ در صفحه ۲

## مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

## بار دیگر دعوی ولایت فقیه و خیانت لیبرالها

بار دیگر در جریان تاریخ روز جمعه قم و تبریز، شورونوی نوده در مسیری کاملاً تحرافی بکار گرفته شد. همچنانکه ما در حوادث قبلی تبریز نیز اشاره کردیم این قبیل حوادث "قبل از آن کهنانی از مبارزات انقلابی خلق ترک بر علیه ستم طبقاتی و ملی داشته باشد، ناشی از تضادها و درگیریهای طبقاتی است که است که اکنون بر سر مسئله رهبری میان قدرتمندان مذهبی خود را می نماید و در این بین نوده وسیعی از مردم ناآگاه را آلت دست خود میسازد". آری، بورژوازی همیشه تلاش میکند برای رسیدن به قدرت از خواسته های نوده ها سوء استفاده نماید. خلسق ترک همچون دیگر خلقها، در زمان سلطنت پهلوی تحت ستم مظالم طبقاتی و ملی قرار داشته است این خلق دلاور در مبارزه بر علیه رژیم رضا خانی و محمدرضا شاه، بحق سنت انقلاب و سر و طپت را همیشه حفظ کرده و همواره جزو پیشروترین خلقها در مبارزه بر علیه امپریالیسم و ارتجاع بوده است. خلق ترک که در انقلاب اخیر ایران نقش بسزائی داشته است، بیسازگاری و بیگانه گساره بدرستی مشاهده میکند که از خواسته های عادلانه خود بسیار بدو راست و هیئت حاکمه جدید با حفظ نظام پرمایه داری وابسته، با بتمویب رساندن قانون اساسی ارتجاعی خبرگان، حقوق وی را نیز همچون دیگر خلقهای ایران زیر پا گذاشته و رودر روی زحمتگشان قرار گرفته است. در چنین شرایطی لیبرالهای سلطنت طلب دیروز و آیت الله شریعتمداری که اکنون این لیبرالها و جاسوسانی نظیر مراغای و حتی بخشی از بورژوازی وابسته را زیر کف جناحیت خود گرفته است دست بکار میشوند تا با تکیه بر موج ارتجاعی پستی نوده های ترک از رژیم فعلی، سهمی در قدرت پیدا کنند. ما با چنین وضعیتی در مبارزه خلق های دیگر و بخصوص خلق بلوچ نیز مواجه هستیم. یعنی بدلیل عدم آگاهی نوده ها و نبود سازمان های بر قدرت انقلابی در اینگونه مناطق، ارتجاع و لیبرالهای محلی سعی دارند با قدرت نمائی و تهدید و تحریک مردم ناآگاه از رژیم حاکم نارضی هستند با رژیم و از ما مله شوند، هم اکنون دکتر یزدی این جا می شناخته شده امپریالیسم در بلوچستان سرگرم انجام چنین معالمدای با خانها و مولوی ها و ارتجاع بلوچ و سیستانی است و درگیریهای دوهفته قبلی را هدا ن نیز از همین نمونه ها و شباهت به درگیری های اخیر قم و تبریز دارد. آنچه در این میان تعیین کننده است میزان و اهمیت است که نیروهای انقلابی در این مناطق بکار سیاسی - تشکیلاتی در میان نوده ها میدهند. تنها از این طریق وسیع خلق بدو سازمانها را ستین انقلابی است که میتوانیم خلق را از زیر بارال و بر طبقات حاکم بدار و رژیم و آنان را در مسیر مبارزه فدا میریالیستی و فدا رتجاعی رهبری سخا کنیم. ■

بقیه از صفحه اول

انتخابات ریاست جمهوری ۰۰۰

نمایان ساخته است. تضادهائی که البته خود انعکاس رشد جنبش انقلابی در جامعه، ناهمگونی های بسیار در درون هیئت حاکمه میان جناح های مختلف آن، بحران عظیم اقتصادی - اجتماعی و در هم ریختگی فزاینده اقتصاد دور شکسته و یوسالین سرمایه داری وابسته ایران است. این تضادها و درگیریها "بالا" که در پرتو آن عناصرو جناح معینی از بورژوازی شرکت کننده در هیئت حاکمه هر روز رسوا تر شده و چهره کثیفشان بیش از پیش از پرده خیانت به انقلاب و خدمت به امپریالیسم بیرون می افتد، نمی توانند بر فضای انتخابات ریاست جمهوری سنگینی نکنند، عناصرو جناحی که در طی این ۹ ماهها بزارا ملی قدرت سیاسی را، در سایه نفوذ و اعتبار رهبران روحانی، در دست خود متمرکز نموده بودند و رژیم را با سرعت شگفت آوری به سوی وابستگی شامعاریه امپریالیسم می - تازانند و به همان سرعت زیر پای کسل هیئت حاکمه را که بر پایه توهم و اعتماد دما دقانه توده های ناآگاه مردم شکل گرفته بود، خالی میکردند. در واقع رژیم، در شرایطی به این انتخابات دست می زند که مجبور شده است برای نجات کسل حاکمیت خود و سیستم موجود به قربانی شدن عناصری از جناح های بورژوازی هیئت حاکمه، رضایت دهد. و در این میان نیز دست پروری عناصر کثیفی چون امیرانتظامها، نژیه ها و... که تا دیروز عناصر "پاک" و "مومن" دولت موقت با زرگان، نخست وزیر محبوب آیت الله خمینی بودند، انگشت گذاشته است.

دامنه این درگیری ها و تضادها تا کنون بداندنا کشیده شده که "نیفت آزاد"، این حزب سیاسی راست ترین جناحهای بورژوازی لیبرال را نیز در کام خود فرو برده است. و "استاد" خیانت آنان - خیانتی که در عرصه فعالیت های سیاسی این حزب از ابتدا تا کنون و بخصوص در طی دو سال گذشته از لایلهای موانع سیاسی آنها مشهود قابل رویت بوده است - بتدریج برملا می گردد.

این انتخابات همچنین در شرایطی صورت می گیرد که در تمام مراحل پیشین "تعیین رژیم جمهوری اسلامی، (از فراتر اندوم رژیم جمهوری اسلامی تا فراتر اندوم قانون اساسی)، ما شاهد فرو ریختن تدریجی جوع اعتماد و اطمینان نوده ها به قدرتمندان کنونی هستیم، کاهش در جمعیت شرکت کننده برای دادن رای در هر یک از این مراحل گواهی این مدعا است و حتی آمار خود رژیم نیز بخوبی این کاهش را نشان میدهد. ۹۸٪ جمعیت شرکت کننده در فراتر اندوم جمهوری اسلامی (طبق آمار خود رژیم) به ۱۰٪ در صد در انتخابات شوراها، و حدود ۷۳٪ در فراتر اندوم قانون اساسی می رسد (این آمار خود رژیم است، در صورتیکه واقعیت موجود و یک حساب سر - انگشتی نشان می دهد که بیش از ۵۰٪ حائزین شرایط شرکت در انتخابات از شرکت در فراتر اندوم خودداری کردند).

چنین کاهش در فواصل کوتاه زمانی،

سرعت فرو ریختن توهمات مردم به رژیم و شتاب سقوط ارتجاع در شرایط انفراد را به خوبی نشان میدهد. واکنش در متن چنین شرایطی رژیم در صدد است تا هر چه زودتر این انتخابات را به شمر برساند. زمان تعیین شده برای اجرای این انتخابات، یعنی حدود ۱۰ روز برای معرفی کاندیدها (۲۹ آذر ماه تا ۸ دیماه) و ۲۰ روز برای تبلیغات و فعالیت های انتخاباتی (کاندیدها تا ۱۵ دیماه از طرف وزارت کشور معرفی می شوند و پنجم بهمن ماه روز انتخابات است) - که حتی در قیاس با مدت زمان این انتخابات در کشورهای امپریالیستی همچون آمریکا، بسیار محدود و ناچیز است - این تلاش برای سرهم بندی کردن انتخابات و هراس و وحشت از کاهش روز افزون تعداد "رای دهندگان" را بخوبی نشان میدهد. چرا که حتی در کشوری امپریالیستی مثل آمریکا، لااقل برای حفظ ظاهر فریبنده نظام دموکراسی بورژوازی، و دموکراتیک جلوه دادن انتخابات حدود چند ماه قبل از انتخابات به فعالیت های انتخاباتی و تبلیغاتی "کاندیدها" اختصاص می یابد.

در متن این شرایط، که بطور کلی بدان اشاره کردیم، تعیین دقیق اینکه چه کسی از عناصر وابسته به هیئت حاکمه و جناح های رقیب بر مسند ریاست جمهوری تکیه زیند و چه نتایجی بر این انتخابات مترتب است، از پیش امکان پذیر نیست، اما از او آهده موجود میتوان نکاتی را پیش بینی نمود. یکم اینکه، شور و شوق مردم برای شرکت در این انتخابات با زهمکاهش خواهد یافت و به احتمال زیاد میزان جمعیت شرکت کننده در انتخابات در همان حوال و حوش رفتار اندوم قانون اساسی خواهد بود. رسوائی های اخیر و بی دردی عناصری از هیئت حاکمه که رژیم به آنها اعتماد داده شده اند بر کارشان شور و شوق تا شیرات مشخصی دارد، تردیدی نیست که موضع گیری نیروهای انقلابی و کمونیستی در قبال این انتخابات نیز در اینجا موثر است و می تواند در کاهش یا افزایش این میزان تا شیرات محسوس داشته باشد. اگر نیروهای انقلابی و دموکرات و کمونیستها می توانستند (و یا بتوانند) چیده وسیعی در برابر این انتخابات، برای افشاء و طرد آن، بگشایند و دامنه کار را گسترده خود را به منظور راه کردن رشته های اعتماد و دل بستگی نوده ها به انتخاباتی باقی از این دست، گسترش دهند، بدون شک می توانستند، در کاهش میزان آراء ریخته شده به صندوق های رای گیری، نقش قابل توجهی داشته باشند. اما متأسفانه واقعیت چنین نیست. بخش اعظم نیروهای دموکرات، در این معرکه انتخاباتی شرکت جسته اند، نیروهای کمونیستی نیز تا کنون موضع رسمی در این باره اتخاذ نکرده اند که بتوان در این مورد قضاوت نمود.

دوم اینکه: بسیاری از عناصر روحانیست

بقیه در صفحه ۱۴

## برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

### حرکت پیروزمندانانه دیگری از کارگران کارخانه عیبدی



در پیکار شماره ۳۶ گفتیم که کارگران اخراجی کارخانه عیبدی در سایه همبستگی خود توانستند تنها خودسرکارا برگرندند بلکه کارمندان را نیز که بسبب حمایت از آنها اخراج شده بودند، بسرکارا برگردانند، در زیر گزارش ادا به مبارزات آنها را ملاحظه کنید: کارگران عیبدی از اخراج به کارخانه برگشته بودند از روحیه خوبی برخوردار و نشاندهای بقدرت خودشان پی برده بودند. کارگران دیگر زیر بار حرفهای زورسریستها نمیرفتند و در مواردی رودر روی آنها می ایستادند. در مقابل آنها از نما پندگان خود حرف شنوی داشتند و به آنها احترام میگذاشتند. از طرف دیگر چند لومین وابسته به کارفرما بعضی از کارگران ناآگاه را علیه نما پندگان تحریک مینمودند و با انجمن اسلامی فرمایشی (از طرف کارفرما) که موسسین آن از سرپرستهای بودند که کارگران از آنها دل خوشی نداشتند اوضاع را متشنج میکردند.

در چنین شرایطی نماینده ها با همکاران خود کارگران دیگری برای تشکیل شورا (۱) اساسا نماینده ای تهیه میکنند که مطابق آن شورا دارای دو کمیته امور صنفی و امور فرهنگی بود. (نماینده ها معتقد بودند برای آنکه شورا بتواند قدرت اجرایی داشته و بیا بگیرد، باید در برابر نماینده ها حداقل وظیفه شروع کرد و پس از آنکه جا افتاد و محکم شد، آنگاه خواست نظارت بر تولید و مدیریت را مطرح کرد) اساسا نماینده مذکور پس از عرضه به کارگران با کمی تغییر مورد موافقت همه آنها قرار گرفت.

در این میان کارفرما با تلاش و راهبردی کرد و آنرا غیر قانونی میدانست. دستهای متعدد نمایندگان کارگران با نماینده کارفرما بجای نرسید. در ضمن وقتی نماینده شورای انقلاب به کارخانه می آمد علام میکنند که بنا به تصمیم شورای انقلاب، تا تصویب اساسا نماینده برای شوراها نباید هیچ شورایی تشکیل شود! اظهارات نماینده شورای انقلاب با مخالفت کارگران روبرو میشود و از این جهت وی میگوید: "چون شما روی مسائل رفاهی تاکید میکنید ما به کارفرما ابلاغ میکنیم که به خواستهای شما در مورد سرویس، افزایش حق مسکن و دادن حقوق اخراج و... رسیدگی کند."

در این موقع بطول تحریکات و مسیاهی عوامل کارفرما (آنها تبلیغ میکنند که نماینده ها کمونیست هستند) و ناآگاهی و توهم بعضی از کارگران بین صفوف فشرده آنها تا حدی شکاف می افتد. بطوریکه فشاری روی خواست شورا و رودر روی نماینده شورای انقلاب قرار

(۱) - در این گزارش ویا گزارشهای دیگر، هر جا از شورا نام برده میشود، منظور شورا های لابی نیست.

### پیروزی کارکنان صنعت و عقب نشینی مغتضبان رژیم

تصمیم فدکا رگری ایستادند بخواهی میدانند که تنها برآشاکا می و هوشیاری و در سایه وحدت و همبستگی خودشان بودند که توانستند علی رغم همه تلاشهای مذبوحانه و تفریق افکنانه معین - فروانجمنهای اسلامی وابسته به حزب حاکم تن به بخشنامه تحمیلی ندادند و رژیم حاکم را وادار به عقب نشینی کنند.

کارکنان مبارز صنعت نفت در جریان این مبارزه پیروزمندانانه خود با زهد دریا فتند که رژیم سرما به داری برای تثبیت وادامه حاکمیت خویش چاره ای جز تحمیل فشار بیشتر بر زهم بیشتر بر طبقه کارگر و تشدید استیضا و آزار نادر و در برابر، طبقه کارگر هم برای مقابله با دسیسه ها و قوانین فدکا رگری رژیم سرمایهداری مهمترین سلاح آگاهی و تشکل است. این بار نیز کارکنان تنها در سایه آگاهی و اتحاد خودشان بودند که توانستند به این پیروزی دست یافته و راه را ده خردا بر رژیم سرما به داری تحمیل کرده و بزرگی برتاریخ پرافتخار مبارزات کارکنان صنعت نفت بیا فزایند.

هر چه مستحکم تر با اتحاد و همبستگی کارکنان قهرمان صنعت نفت!

(بمنقل از ضمیمه محلی "کمیته خوزستان" شماره ۶)

بعدا ز صد و بیست و یک سال دولت مبنی بر لغو تعطیل پنجشنبه، کارکنان صنعت نفت جنوب به شدت در برابر این بخشنامه تحمیلی واکنش نشان دادند و در بسیاری از مناطق نفت خیز کارکنان مبارز صنعت نفت عملا اهمیتی به این بخشنامه ندادند و روزهای پنجشنبه از حضور در سرکار خودداری کردند.

پس از ۴ ماه مقاومت متحدانه کارکنان صنعت نفت در برابر این دستور العمل تحمیلی و اهمیت ندادن به اطلاعیه ها و بخشنامه های رنگ و وارنگ و گاه تهدیدآمیز وزیر نفت (معین قر)، سرانجام این کارگران رژیم پهلوی و عضو شورای انقلاب اسلامی، زیورنه در مقابل اتحاد و یکپارچگی کارکنان صنعت نفت ناچار به عقب نشینی شد و تعطیل مجدد پنجشنبه ها را برای کارکنان صنعت نفت به استثناء ادارات مرکزی به رسمیت شناخت.

این عامل مزدور رژیم سابق، در حالیکه تحت فشار مبارزه کارکنان صنعت نفت ناچار به عقب نشینی مفتضا نه شده است می خواهد چنین وانمود کند که گویا به رسمیت شناختن مجدد تعطیل پنجشنبه ها در شرکت های وی و الطاف شورای انقلاب بوده است! اما کارکنان مبارز صنعت نفت که مصممانه در مقابل این

### راهپیمایی ضد امپریالیستی کارگران سندیکای پروژه ای آبادان و حومه

سپس راهپیمایی که عده آنها در حدود ۴ هزار نفر بود در صفوف فشرده با شعار "اتحاد، اتحاد، زحمتکشان اتحاد" از مسیر کوی بازگان و کوی کارگریست مرکز شهر حرکت کردند. کارکنان زحمتکش شعاری دادند:

- ۱ - قرار داد نظامی، بیمان اقتصاد با آمریکا از خونخواه وطنی باید گردد.
- ۲ - اموال آمریکا، بنفع زحمتکشان ملی باید گردد.
- ۳ - کارگر زحمتکش، دشمن امپریالیسم، سرما به داری مزدور نوکرا امپریالیسم.
- ۴ - بسمه بیگاری حق مسلم است. کار، کار، حق مسلم ماست.
- ۵ - هفتاد هزار رگشته، صد هزار زخمی، هرگز میاد سازش، هرگز میاد تسلیم.

بقیه در صفحه ۱۷

راهپیمایی ضد امپریالیستی کارکنان ۵۵۰ کارکنان زحمتکش پروژه ای آبادان و حومه که همچون سایر کارکنان بیگاریست سرانگشور پس از ده ماه از بقدرت رسیدن میوه چینان انقلاب هنوز با هیولای بیگاری و لاجرم فقر و فلاکت دست بگریبانند و از آنجائی که این بیگاری خودناشی از سیستم سرمایهداری وابسته به امپریالیسم است و حاکمیت امپریالیسم خونخواه آمریکا از عوامل اصلی این سلاخی است. لذا سوز است، روز جمعه ۳۰ آذرید عمویت سندیکای پروژه ای آبادان و حومه یک راهپیمایی ضد امپریالیستی برگزار گردید.

این راهپیمایی ساعت ۹ صبح از مقابل سندیکا آغاز شد. قبل از حرکت راهپیمایان به احترام سالگرد شهادت کارکنان کارگاه مرکزی پالایشگاه آبادان یک دقیقه سکوت اعلام شد.

## پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

# حرفهای زحمتکشان از نظریات زحمتکشان



## امپریالیسم آمریکا دشمن شماره ۱ زحمتکشان ایران

"وحدت کارگری" نشریه کارگران مبارز "مینو" است که در دومین شماره آن مطالب متنوعی بچشم می خورد. سرمقاله اش درباره امپریالیسم آمریکا است. در رابطه با مبارزات خلق کرد و چگونگی برخورد رژیم حاکم، رفرا اندوم قانسون اساسی و زحمتکشان ایران، سودویژه و برخورد شورای انقلاب به آن، مسئله زن... نیسیز مقالاتی دارد. ما سرمقاله آنرا برای معرفی این نشریه انتخاب کرده ایم:

این روزها ما کارگران و زحمتکشان نفتی را که از خیلی پیش ها در دلهايمان از اغارتگری-های بی حد و حساب امپریالیستهای بخصوص کثیف ترین آنها امپریالیسم آمریکا انباشته شده است در کارخانه ها درخیا با آنها درهمه جا با فریاد، با مشت گره کرده نشان می دهیم، مادرک می کنیم که وجود امپریالیسم در ایران یعنی وجود همان سرمایه داران وابسته و دلال یعنی امثال خیا می ها، لاجوردی ها و... و خسرو شاهی ها. ما خواهان میهنی مستقل و آزاد هستیم. بدین ترتیب نه تنها خواهان برگرداندن شاه خائن جنایتکار را می مشروشن به ایران و مصادره اموال او و محاکمه او عداوی در پیشگاه خلق زحمتکش ایران هستیم، بلکه اینترکافی نمی دانیم و خواهان نابودی روابط سرمایه داری وابسته هستیم. اگر این

هیئت ها که ما می گوئیم نیست با پدتما و وابستگی-ها را قطع کند ولی هیئت ها! کجا سرمایه داران میتوانند خدا میریالیست باشند؟ کجا دولتی که در طی این ماه به سرکوب خلق گردمغول بود و ما را فریب میداد که با خدا انقلاب وسا و اکیسی می جنگد میتوانند خدا میریالیست باشند؟! دولتی که کارگران مبارز را به زندان می افکند (نمونه خرمدره، نخ زرین ۴۰۰۰) دولتی که قرارداد ۲/۵۵ میلیارد دلاری برای لوازم بیدکی اسلحه با آمریکا می بندد، دولتی که ما می سرمایه دارانی چون حاج علی است میتوانند خدا میریالیست باشند؟! نه، هیچوقت جا خودسته خودش را نمی برد. تنها دولتی واقعاً ضد امپریالیست و تا آخر خدا میریالیست است که دولت کارگران و زحمتکشان باشد زیرا ما کار-گران و زحمتکشان از آنجائی که در مبارزه با امپریالیسم چیزی را نماندیم که دست بدسیم مکزنجیرها بی که سرمایه داران بدست و پای ما بسته اند، تا آخر علیه استعمار و استعمار مبارزه می کنیم. (در شماره آینده راجع به اینکه امپریالیسم یعنی چه خواهیم نوشت).

مرگ بر سرمایه داری وابسته!  
نا بود با امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران!

## ماهیت ضد کارگری کنفدراسیون کارگران را بشناسیم

نخستین شماره "پیک تپوش" نشریه گروهی از کارگران کارخانه پوش به تاریخ ۵۸/۱۰/۶ انتشار یافته است. در این شماره مطالبی درباره نمایش "استثناء" واقع شده در کارخانه پوش، کنفدراسیون کارگران، معرفی کتاب "جامعه سرمایه داری را بشناسیم"، مبارزه کارگران بیکار رگیلان و چند خبر کارگری درج شده است. ما قسمتی از یک مقاله را در زیر نقل می کنیم:

کارگران مبارز!  
همگی می دانیم که رژیم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم شاهپرای اینکه بتواند جلوی مبارزات ما را بگیرد، از دو زوکلکهای زیادی استفاده می کند. اول از جمله کارهای آن موقع درست کردن سندیکاها و اتحادیه های فرمایشی (ساواک زده) بود...

و حالا هم یکباره می بینیم یک عده به کارخانه ها می روند و بیکارگران می گویند که

ما کنفدراسیون کارگران ایران را تشکیل داده ایم و کارگران بیابند در آن نامیومی کنند و عضو کنفدراسیون شوند.

اولا کنفدراسیون باید چگونه تشکیل شود؟ کارگران باید اول سندیکا تشکیل دهند و سپس از اتحادیه سندیکاها، اتحادیه کارگری بوجود آید. و بالاخره اتحادیه های کارگری با هم متحد شوند و کنفدراسیون کارگران را ایجاد کنند...

در جلسهای که مسئولان به اصطلاح کنفد-راسیون تشکیل دادند، کارگران سوالاتی کردند که کاملاً ماهیت کنفدراسیون چی ها را روشن کرد و آنها را رسوا نمود:

یکی از کارگران پرسید چگونه زمانی که هنوز سندیکا های کارگری ایجاد نشده، شما برای اخذتان وبدون اطلاع کارگران دست به ایجاد کنفدراسیون کارگری زده کنید...؟ شما بنده این کنفدراسیون ضد کارگری جواب داد

شماره ۸ "بیکان" نشریه "عده ای از کار-گران ایران ناسیونال"، در تاریخ اول دیماه منتشر شده است. در این شماره مطالبی درباره سندیکا های فرمایشی ایران ناسیونال، مقررات جدید سودویژه، جاسوسی امیرانتظام، و نیسیز چند خبر کارگری درج گردیده و آنچه در زیر می خوانید، قسمتی است از مقاله ای تحت عنوان:

## بالاخره حرف نیروهای انقلابی در مورد امیرانتظام درست درآمد

طبقه سرمایه داران در جوامعی نظیر ایران نمی تواند بدون وابستگی به امپریالیسم رشد کند. برای اساس بود که نیروهای مبارز ما هیئت دولت موقت را افشاء کرده و چهره های شناخته و نشناخته آنها را معرفی میکردند و در مقابل آقای بازرگان نیروهای مبارز را اغلالگرو خدا انقلاب معرفی میکردند و تا کیدد است که عفا دولت موردا عتقاد کامل من میباشند. حال از آقای بازرگان (نخست وزیر سابق دولت موقت و عضو فعلی شورای انقلاب) می پرسیم: آیا شما آقای امیرانتظام را به معادنت نخست وزیر و سرخ گوی هیئت دولت بر-نگزیدید؟ آیا شما با رها تا کید نکردید که ایشان موردا عتقاد کامل من هستند؟ آیا شما نظرات آمریکا ای آقای امیرانتظام را تا نبند نمی کردید؟ آیا سیاست شما با نظرات آقای امیر-انتظام آمریکا ای هما هنگ نبود؟ و همچنین با توجه به کارهای دولت بعد از زقیام بیهن ماه، از کارگران مبارز می پرسیم آیا سرمایه داران میتوانند انقلاب را به خرابی برسانند؟ آیا هیئت دولتی که شنگویش آمریکا ای باشد می تواند خدا میریالیست باشد؟

که: چیزهایی که شما گفته اید وقت زیادی می گیرد و چند سال طول می کشد. ما یکبار آمده ایم کنفدراسیون کارگران ایران را بوجود آورده ایم بعداً می توانیم سندیکا و اتحادیه بوجود آوریم (!!).

یکی دیگر از کارگران پرسید: چه کسانی کنفدراسیون را برسمیت شناخته اند و به آن اجازه کار داده اند. نماینده کنفدراسیون جواب داد: کنفدراسیون توسط وزارت کار برسمیت شناخته شده است. باید در جواب این هواندار سرمایه داری گفت مگر اداره کار بعد از قیام تغییر کرده است؟ آیا رژیم وابسته شاه اداره کار را برای چه بوجود آورده بود؟ مگر همین اداره کار نبود که قوانین ضد کارگری را تصویب می کرد؟ حالا همین اداره کار است که شما را مامور تشکیل کنفدراسیون ضد کارگری کرده است. نماینده کنفدراسیون در صحبت های خود گفت ما در چهار چوب جمهوری اسلامی کار میکنیم و چون موقعیت انقلابی است نباید دست به اعتصاب، تحصن و غیره زد. (!!).

کارگران مبارز! هوشیار باشید. همیشه نوکران امپریالیسم و سرمایه داران با وجود آوردن سازمانهای بظاهر کارگری سعی میکنند مبارزات ما را به انحراف بکشانند. ■

## قانون اساسی "خبرگان" زنجیر است به پای زحمتکشان

گرفتن در آن شرایط، خطر راه یافتن عوامل کا رفرما در شورا (در صورت تشکیل) و ایجاد دیک شورای فرمایشی را به همراه داشت، از این رو نماینده ها ۱۱ خواست رفاهی مطرح میکنند و برای انجام آن ۱۵ روزه کارفرما مهلت میدهند در فاصله این ۱۵ روزه عوامل کا رفرما به توطئه های مختلفی دست میزنند تا کا رگران را دودسته کرده و آنها را رودر روی هم قرار دهند اما از آنجا که کا رگران در خلال مبارزاتشان نماینده ها را همواره کنار خود دیده بودند و نیازی منافع خود را در پیوستن به آنها میدیدند و ما هیت تجریک کنندگان تا حدی روشن شده بود با وجودیکه نمایندگان را کمونیست مینامیدند و مدتی به آنها بدبین شده بودند، دوباره به آنها اعتماد کرده و از ۱۱ خواست پیشنهادی آنها پشتیبانی نمودند. در روزهای پایانی مهلت بعلت کار توضیحی نمایندگان، کا رگران مصمم بودند که اگر خواستهایشان پس از انتقادی مهلت برآورده نشود دست به اعتصاب بزنند.

از سوی دیگر کا رفرما کا حاضری قبول انجام هیچیک از خواستهای کا رگران نبود وقتی تیرهای توطئه های از طرف بسلگ میخورد و تصمیم قاطع کا رگران را می بینند میگویند بیآوردن خواستهای ناچیزی مانند سرویس صبحانه... کا رگران را راضی کرده و از دادن بقیه خواستها (مثل افزایش حق مسکن، دادن حق اخراج به کارگران... و بزرگداشتن دفاتر مالی شرکت که بیرون برده شده بود (۲)) شانه خالی کند.

کا رفرما در آخرین روزها قیمتها را مهلت تعیین شده، چند نفر را برای مذاکره پیش نمایندگان میفرستد، پس از مذاکره نماینده ها کان عبیدی قول میدهد که تمام خواستهای

(۲) - عبیدی دفاتر اصلی را بمنظور دزدی از سود ویژه و عدم پرداخت مالیات بیرون برده و دفاتر تجلی را به کا رخانه آورده بود، برگشتن دفاتر مالی یکی از خواستهای کا رگران بود.

کا رگران را آنجا مدهند، نمایندگان در همان روز طی نشستی با حضور همه کا رگران، نتیجه مذاکرات را به اطلاع آنها میرسانند.

کا رگران از نمایندگان خود میخواهند که برای بازگرداندن دفاتر و روز دیگر به عبیدی مهلت داده شود.

پس از گذشت این مدت نه تنها دفاتر تریه کا رخانه باز نگردانده نمیشود، بلکه چندین مورد از ۱۱ ماده مورد توافق نمایندگان کا رگران و نمایندگان عبیدی هم نقض میگردد.

سرا نجا مبدئیا ل کار توضیحی نمایندگان اکثر کا رگران دست به اعتصاب میزنند، حتی کا رگران قدیمی که در دفعات قبل در اعتصابات شرکت نمیکردند، این بار پس از مشاهده قدرت عمل جمع و پیروزیهای بدست آمده به اعتصاب بیون می پیوندند، اما اعتصاب بقدری گسترش مییابد که کا رگران مرتجع و فاشیست (که در ابتدا تبلیغ میکردند اعتصاب عملی ضد انقلابی است) تحت فشار دیگر کا رگران مجبور میشوند با بقیه هما هنگی کنند. پس از گذشت یک روز از اعتصاب، کا رگران قدیم، زمره های سازش را شروع میکنند. از این روبرو برای آنکه اتحاد و یکپارچگی کا رگران ادا نمیشود، نماینده ها کان طی نشستی با کا رگران تصمیم میگیرند روزها کار کنند و شبها متحصن شوند. این تصمیم با وجود مخالفت عده ای از کا رگران کسبه خواستار ادامه اعتصاب بودند، با موافقت اکثریت به اجرا درآمد. پس از دو مین شب تحصن عبیدی ناگزیر قبول میکنند که دفاتر را به کا رخانه باز بیاورد، در ضمن نماینده دادستانی به کا رخانه آمده و خواستار اجرای ۱۱ ماده میشود، بدین ترتیب تحصن کا رگران در حالیکه زودت و انسجام خوبی برخوردار بودند با موفقیت پایانی میگردند و کا رگران کا رخانه عبیدی در صبح با اتحاد و همبستگی خود گامی دیگر جلو بر میدارند.

مستحکمتر با اتحاد و یکپارچگی کا رگران کا رخانه دکتر عبیدی

کا رگران این ستون مبارزات ضد امپریالیست را سد می کنند. رژیم "انقلابی" شما حتی قسا در نیست که جلوی آن مقامی را که در مسئولیت و مقامهای بالا نقش مهمی دارد، و لسی از سرما بدهد رجاتا بتکاری چون میرا شرافی حمایت می کند، بگیرد. در حالیکه بوق و کرنای ضد امپریالیست بودند تا گوش فلک را کر کرده است. کا رگران متحصن خواستار آمدن نماینده وزیر کا روبا سخگونی به خواستهایشان بودند. بعد از ظهر دوشنبه سوم دیماه ۲ نفر کا رگر از سیمان آبیگ به فرما ندا ری آمده و میگویند از طرف کا رخانه می خواهند ۷ کا رگر بیما نکا را اخراج کنند. صبح سه شنبه ۹ کا رگر متحصن به سیمان آبیگ می روند. ساعت ۱۲ دوفرا ز آنها برگشته و می گویند که هفت رفیق کا رگر را کمیته سیمان آبیگ بازداشت کرده است. در همین روزها ستاندا رزجان به اتفاق نماینده وزیر کا روچند نفر دیگر بر سیمان کا رگران متحصن میروند. ابتدا استادان را سخنرانی کرده و سپس کا رگران مشکلات خود را مطرح می نمایند.

استاندا رزمن سخنانش می گوید: "بودجه ای برای استان ما در نظر گرفته شده و از این هفته می خواهم طرحی را به اجرا در آوریم. در نظر گرفته ایم کمیسیونی با شرکت فرما ندا ری یک نماینده از شورای انقلاب، دو نماینده از کانون شورا های شهرستانی و... تشکیل شود. تمام کا رخانه ها و طرحهای اجرایی با ایداز این کمیسیون کا رگر استفاده میکنند."

کا رگران می گویند ما بطور موقت نماینده های خود را در این کمیسیون می فرستیم و تا آزادی رفقای زندانیمان به تحصن ادا می دهیم. حدود ساعت ۹ شب، هفت کا رگر مبارز از آدشده و به فرما ندا ری می آیند. کارگران وقتی می بینند که اتحاد و همبستگی شان موجب آزادی رفقاییشان شده، بسیار خوشحال شده و آنها را غرق بوسه میکنند.

کا رگران آزاد شده می گفتند: کمیته چی ها ما نند و اکا زما با زبری می کردند و حتی به یکی از ما پیشنهادش هزار تومان پول کردند (که با جواب دندان شکن روبرو شدند).

کمیته چی ها گفته بودند که اگر شما به خواست ما یگان برسید، فردا همه کا رگران آبیگ و... متحصن می شوند.

یکی از کا رگران می گفت: ما میدانستیم که پشت سرمان قدرت بزرگی چون قدرت همبستگی کا رگران بیجا وجود دارد.

**"تخصن کارگران بیکار قزوین" و تحریکات حزب جمهوری اسلامی**

... این حزب را افشاء کردند. در قسمتی از اعلامیه مذکور می خوانیم:

"... حزب جمهوری اسلامی می گوید: مبارزه طبقات (مبارزه کارگران با سرمایه داران) انحراف از مبارزه ضد امپریالیستی است. کا رگران می گویند: مگر امپریالیسم از سمان نازل شده؟ امپریالیسم توسط پایگاههای اقتصادی دیش یعنی همین سرمایه داران و باغ و تگر در کشور ما نفوذ پیدا میکنند. بنا بر این مبارزه با امپریالیسم تنها وقتی میتواند از صورت حرف و عوا مفریبی درآید که با این عاملین امپریالیسم یعنی سرمایه داران مبارزه شود. ولی شما در عمل بجای مبارزه با امپریالیسم، بصورت حامیان آن درآمده، جلوی مبارزات

کا رگران بیکار قزوین بدنیا ل نظاهرات پرشکوهی در روز سه شنبه ۲۷ آذرماه، روز چهارشنبه ۲۸ آذرماه در فرما ندا ری این شهر متحصن شدند.

حزب جمهوری اسلامی و نیز دادستان انقلاب اسلامی قزوین طی اعلامیه های تحریک آمیزی کا رگران متحصن را ضد انقلاب نامیده و به آنها خطا ز کرده که اگر فرما ندا ری را ترک نکنند به وسیله نیروهای ضربتی سپاه ساران آنها را بیرون خواهند انداخت. پس از انتشار اعلامیه تحریک آمیز حزب جمهوری اسلامی، عده ای از کا رگران بیکار طی اعلامیه ای با عنوان "اعلام جنگ حزب جمهوری اسلامی به کارگران بیکار" سیاستهای ضد کارگری، تحریف و واقعیات

از انتشارات جدید سازمان

بازمورد بارها  
چشم دانشجویی  
وستان  
"دانشجویان مبارز"

**۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران**

# خلق ها و مسئله ملی



## قطع مذاکرات صلح در کردستان و توطئه های جدید هیئت حاکمه

هیئت ویژه دولت در مذاکرات کردستان که پس از مدتی ها پیوسته تبلیغاتی در رادیو و تلویزیون و روزنامه ها در مورد صلح دوستی دولت و شورای انقلاب عازم کردستان شده بود، خیلی زود چهره واقعی خود را نشان داد. این هیئت در همان نخستین جلسات رسمی مذاکرات در تاریخ ۲۱ آذر ۵۸ به پیشنهاد ریوش فرورهر مذاکرات را قطع کرد و بعد بدروغ قطع مذاکرات را به پای هیئت نمایندگی خلق کردگذاشت، (مراجعه شود به سخنان دروغین مهندس سبحانی و پاسخ هیئت نمایندگی خلق کردستان وی با مداد ۲۸ آذر).

علت قطع مذاکرات را با بیستی در هدفهای که این هیئت "حسن نیت" دنبال میکنند جستجو کرد. این هیئت از همان آغاز کوشش کرده است:

**اولا** ترکیب هیئت نمایندگی خلق کرد را زیر سؤال برد، هدف آنها از این کار اینست که نمایندگان نیروهای انقلابی و مترقی در این ترکیب حضور نداشته باشند تا بتوانند جناح بورژواژی و سازشکاران این هیئت یعنی حزب دمکرات کنتررا بکنند. بخت مهندس سبحانی و عزت الله سبحانی (که هر دو از سران نهضت آزادی معلوم الحال هستند) در این مورد توجه کنید: "آنها نسبت به این مذاکرات خوش بین نیستند و رسیدن به یک تفاهم کامل را موکول به این میدانستند که نمایندگان مردم کردستان از با فشاری برای عضویت بعضی گروهها در هیئت دست بکشند و اصرار ی نورزند در این صورت است که میتوان به جدی مذاکرات خوش بین بود." (با مداد ۲۱ آذر ماه) و با در روزنامه ها مداد ۲۱ آذر ماه میخوانیم که: "مباحثات به ترکیب هیئت نمایندگی خلق کرد اعتراض کرده است." و برعکس این هیئت اینجا و آنجا از حزب دمکرات تحریف و تمجید میکند، با ریوش فرورهر در ۲۱ آذر ماه گفت: "خوشبختانه شخصیتهای مذهبی و رهبران حزب دمکرات خواستار جلوگیری از هر گونه درگیری جدید و فصل مسائل از طریق گفتگو هستند..." (بدین ترتیب می بینیم که فرورهر این یا در برین بختیا ر چگونه میخواهد تلویحاً نیروهای انقلابی را مقصر جلوه دهد) **ثانیا** هدف دیگر این هیئت ویژه دولت که سیاست هیئت حاکمه را در کردستان دنبال می کنند، عوام فریبی بوده ها از طریق مسافرت به نواحی مختلف و ایراد سخنانی و نمایاننده تراشی است. آنها به این بها که با مردم طرف هستند به نیروهای سیاسی (مترقی و انقلابی) تلاش میکنند که تا بجای مفتی زاده ها که پیش خلق کرد رسوا شده اند و به راج گریخته اند

## توطئه هیئت حاکمه برای تجدید جنگ در کردستان

### اخبار کشتار سنج:

سنجد شروع به تیراندازی هواشی میکنند. شیرحالت فوق العاده گرفته و مردم شروع به سنگربندی میکنند. در وائل شب با سداران دوباره تیراندازی را شروع کرده و با برین راه هدف گلوله قرا می دهند. در این تیراندازی سه نفر از عابرین درجا شهید شده و ۸ نفر نیز مجروح می شوند که در بیمارستان یکی دیگر از مجروحین نیز شهید می شود.

چهارشنبه ۱۰/۱۲ - هنگام صبح مردم اجتماع کرده و بدنبال چاره جوئی بر می آیند. نیروهای سیاسی درگیر راه حل های مختلف بوده اند که مردم به با شکا را با این تصمیم به تحمیل در استاننداری می گیرند و در آن محل متحصن می شوند و همه نیروها را دعوت به تحصن می کنند. متحصنین عده ای از اصناف مختلف را بعنوان نماینده هیئت مذاکره با استاندار و فرمانده پا دگان و رئیس شهر بانی انتخاب می کنند و متذکر می شوند که این نمایندگان فقط برای مذاکره در مورد خروج با سداران انتخاب شده اند. از ه نفر نماینده یک نفر نماینده بازاریان، یک نفر معلم، یک نفر قاضی یک نفر دانشجو و یک نفر نماینده از کارگران بیکار بودند. در مذاکراتی که با استاندار و رئیس شهر بانی انجام گرفت توافقاً ماه ۷ ماهه ای (۲) به صورت رسیدگی برای پیشنهاد به دولت در اختیار استاندار قرار گرفت. استاندار در مذاکره با تهران پیشنهادات جدیدی را ارائه کرده بیه طوریکه موارد هفتگانه به طور دلخواه توسط رژیم تغییر داده شده مثلاً بجای شهر بانی موجود فقط از شهر بانی نام برده شده است و همچنین ارتش را محق به دخالت در امور شهر و حفاظت فرودگاه ها دانسته است. مردم قاطعانه با پیشنهاد دولت مخالفت کرده و اعلام میکنند تا خروج بی قید و شرط با سداران همچنان بیه تحمیل ادامه می دهند.

پنجشنبه ۱۰/۱۲ - تحمیل ادامه دارد. از روز قبل تمامی مدارس، ادارات و موسسات شهر تعطیل شده و همه مردم شهر همبستگی خود را با متحصنین تا خروج کامل با سداران اعلام کرده اند. نماینده های از طرف هیئت دولت به سنج آمده تا با نمایندگان متحصنین مذاکره کنند. امروز در شهر شایع است که ارتش از کرمانشا به سمت سنج آمده و دره کیلومتری کامیاران بقیه در صفحه ۹

شروع درگیری: شنبه ۵۸/۱۰/۸ - امروز دونفر از با سداران ارتجاع، به میم بنزیس خارج شهر جهت سوخت گیری مراجعه میکنند. در حین سوختگیری پیشمرگان حزب دمکرات سر رسیده و آنها را قطع صلاح میکنند. یکی از با سداران دستگیر و دیگری موفق به فرار می شود. بدنبال این ماجرا با سداران مستقر در رادیو تلویزیون سنج به محل آمده و در خیابان ورودی شهر موضع گیری و شروع به تیراندازی میکنند. بین پیشمرگان و با سداران درگیری شروع می شود. سپس با سداران از فرماندهی با سداران سنج - لشکر ۲۸ کردستان - تقاضای میانجیگری می کنند و بین طرفین ۴۸ ساعت آتش بس اعلام می شود. در این زد و خورد آتش را دیو - تلویزیون آسیب دیده و برنا مه های آن قطع میگردد. در مذاکراتی که با سداران از شهر در ظرف ۲۸ ساعت قید شده بود، اما با سداران بعد از مدت مقرر حاضر به ترک شهر نمی شوند. نیروهای سیاسی شهر به منظور جلوگیری از درگیری ۲۴ ساعت دیگر آتش بس را تمدید میکنند. شنبه ۱۰/۱۱ - امروز مهلت ۲۴ ساعت آتش بس مجدداً رو به تمام بوده که ساعت ۲ بعد از ظهر اعلامیه ستاد مشترک ارتش به حمایت از با سداران در رادیو قرا شده و نیز یک فانتوم بجدت ۲ ساعت در آسمان شهر دست به ما نوزده است. حدود ساعت ۳ بعد از ظهر هنگامیکه بیش از ۳ ساعت به با سداران آتش بس نشانده بود یک جیب متعلق به با سداران در حین عبور از خیابان یکی از پیشمرگان را سیه زگاری (۱) را هدف گلوله قرار میدهد. پیشمرگان نیز بلا شلیک مجدد گلوله با سداران را زخمی می کنند. اما ما شین را چپ کرده و موفق به فرار به مرکز با سداران می شود. بدنبال این جریان با سداران مستقر در با سداران

(۱) - در مورد "سپاه زرگاری" که در درگیری های اولیه نیز نقش داشته اند با بدیا دآوری کرد که این سپاه طرفداران شیخ عثمان رهبر فرقه نقشبندی است که از مراجع مرتجع بوده و طرفدار و وابسته به رژیم بعثت عراق است و از نظر نظامی و سیاسی کاملاً از رژیم عراق تغذیه میشود. رهبری این سپاه در دست دکتر مارچ پسر شیخ عثمان (که گفته میشود مستقیماً وابسته به ساواک بود) و شیخ جمال می باشد.

(۲) - زیر نویس در صفحه ۱۳

بقیه در صفحه ۱۲

برقرار باد خود مختاری خلق چهار چوب ایرانی مستقل و دمکراتیک

# جنبش دهقانی



## گزارشی از مبارزات دهقان روستای "کجلده" از توابع آمل

روستای "کجلده" حدود ۴۵ خانوار (تقریباً ۳۰۰ نفر) جمعیت دارد که ۳۰ خانوار آن بی - زمین ۱۴ خانوار کم‌زمین می باشند. تنها یک خانوار دارای حدود ۵ هکتار زمین آبی و ۲ هکتار زمین دیمی بوده و جزء دهقانان سرفه محسوب می شود. مقدار زمین آبی این روستا که بهنگام املاحات ارضی گذاشته شده است به کشا ورزان تعلق گرفت، حدود ۲۲ هکتار است. مالک این روستا شخصی بنام "حسین اسکندری" می باشد که در رژیم شاه خان سرپرستی بانک کشا ورزی ما زیدران را بعهده داشت. به هنگام املاحات ارضی، قرا بر این گردید که این شخص ۱/۳ زمین های آبی و دیمی را به دهقانان واگذار نماید و ۱/۳ باقیمانده در تملک وی باقی بماند. اما او بدلیل نفوذ خود در دستگاه های دولتی رژیم توانست سهم بیشتری را به خود اختصاص دهد. بنام آن مثال در مورد ۱۵ هکتار زمین دیمی که طبق قرار فوق می - بایست ۱۰ هکتار آنرا به دهقانان واگذار کند، از این عمل خودداری نمود. دهقانان در مقابل حق کشتیهای مالک با راه به مقامات رژیم سابق شکایت بردند اما رژیم ضد خلقی شاه به خواستهای آنان ترتیب اثر نداد. در سال ۱۳۵۵ مالک

تصمیم به حفر جابه بر روی زمین نمودن آنرا به زیرکشت در آورده و با مقاومت شجاعانه دهقانان روبرو گردید و در این کار توفیق نیافت. پس از قبا مخونین بهمن ماه، دهقانان این روستا شکار بینی بر علیه "اسکندری" ابدگاه انقلاب تسلیم نمودند، اما چون عملاً دیدند که مقامات به خواستهای آنان پاسخ مثبت نمی دهند، پس از گذاشتن جلسات متعدد و بحث پیرامون مسئله زمین، سرانجام در شهریور ۱۳۵۸، ۱۵ هکتار زمین را به نسبت مساوی بین خود تقسیم نمودند. "اسکندری" نیز بیگانه نشسته به شایعه پراکنی در مورد حمله چاقو را نش به دهقانان پرداخت. بعد از گذشت مدتی، با او جگیری مبارزات دهقانی ساپروستا های منطقه (از جمله میرآباد)، اهالی روستای "کجلده" نیز در تاریخ ۵۸/۹/۱۴ زمین های مصادره شده را شخم زده و به کشت گندم اختصاص داده اند. تاکنون تحریکات، دسائش و اعمال فشار پاسداران، مقامات اداره کشا ورزی و ... نتوانستند در راه رادده استوار دهقانان این روستا خللی وارد سازد.

## دهقانان مبارز امیرآباد

در شماره قبل "پیگار" (۲۶) گزارشی داشتیم از اقدام انقلابی و شجاعانه دهقانان مبارز روستای امیرآباد آمل در مورد مصادره بیش از ۲۵ هکتار زمین های فئودالهای منطقه. در رابطه با این موضوع، حوزه ما زیدران سازمان، اعلامیه ای در تاریخ ۵۸/۱۰/۲ منتشر کرده است که ماسمتی از آنرا در زیر نقل می کنیم:

... ما ضمن درود فراوان به این اقدام انقلابی شما، برای حفظ و مستحکم نمودن پیروزی های بدست آمده، برای درهم شکستن توطئه ها و نفاق افکنی های مالکین و اربابان آنها و نیز تهدید پاسداران، توجه شما را به نکات زیر جلب می کنیم:

۱- برای حفظ وحدت و یکپارچگی خود در مسائل مربوط به ده و بخصوص در مواقعی که تصمیم های مهمی می خواهد بگیرید، لازم است که بطور مرتب جلسات با یکدیگر داشته باشید.

۲- برای هماهنگ و منظم کردن کارها و انوری که در پیش دارید، چند نفر نماینده از زمین خودتان که بیش از همه در راه هدفها و خواسته های شما، فعالیت و فداکاری کرده اند، انتخاب نمایید.

۳- توجه داشته باشید که کارگزارانی که روی وسائل کشا ورزی کار می کردند همچون شکار کشا ورزان، در رنج و زحمت بسر برده و حتی مدتها بود که حقوقشان را دریافت نکرده بودند. لذا ضروری است که حتما یک نفر از طرف این کارگران (البته مبارزترین و آگاهترین آنها) بعنوان نماینده آن کارگران، در جلسات شما حضور داشته باشند.

۴- از نفوذ عناصری که در حرکت انقلابی شما سنگ اندازی میکرده و به اصطلاح آنرا خلاف مسیر انقلاب می دانستند جداً جلوگیری کنید تا در اتحاد دویگانگی شما خللی وارد دنیا نیاید.

۵- سعی کنید که از هر طریق که میتوانید با روستاهای دیگر و بخصوص با روستاهای اطراف (بقیه در صفحه ۱۷)

## یک نکته کوچک!

### در سخنرانی آیت الله خامنه ای

آیت الله خامنه ای رئیس سپاه پاسداران و معاون وزارت دفاع در روزیکشنبه ۵۸/۱۰/۴ در بیگانه یکم شکاری دربار "محسنات ارتش" لزوم وجود طاقت کورگورانه، "لزوم سرکوب خلق کرد توسط ارتش" و... سخنرانی مبسوطی ایراد کرد. ما لزوم برخورد به تک تک موارد این سخنرانی را نمی بینیم، زیرا که بارها در شماره های پیگارا نظرات و عملکردهای هیئت حاکمه را در باره ارتش افشا کرده و نقش ضد مردمی این دستگاه را شرح داده ایم. لیکن یک نکته در سخنرانی آیت الله خامنه ای بچشم میخورد که قابل توجه است. در این سخنرانی ایشان البته "انتقاد" را همه گذشته ارتش و آدمیداند. از نظر ایشان این انتقادات در شرکت ارتش در جنگ کمانال سوئز بر علیه عبدالناصر، همکاری در توطئه خونین علیه خلق فلسطین در سیاه (کشتار در اردن) و کشتار ۱۵ خرداد و ۱۷ شهریور خلاصه میشود. ولی گویا آیت الله خامنه ای یک نکته کوچک را در باره "انتقاد" اش "به ارتش فراموش کرده است یعنی شرکت وسیع و همه جانبه این ارگان ضد خلقی در سرکوب خونین و وحشیانه خلق عمان. ولی با توجه به سابقه هیئت حاکمه ایران با یستی این نکته را تذکر داده اینا به عمد این حرکت ضد خلقی را مسکوت میگذارد و کلامی در باره آن بزیبان نمی آورند. تاکنون کدام "ادگاه انقلاب اسلامی" بوده است که حتی یکی از فرماندهیان ارتش را به دلیل مشارکت در سرکوب خلقی متعذبه عمان (ظفر ابیای میزحاکمه بکشانند؟ بعکس، اینان همان فرماندهان ضد خلقی را هم به یستی آبان در راساننده اند زیرا که هیئت حاکمه کنونی خود یکی از وجوه مشترکشان را با هیئت حاکمه سابق در همین سرکوب ارتش در ظفر میبندد و دلیل نبودن مدنی مزدور از لزوم سرکوب مجدد این خلق دلاور توسط ارتش ایران سخن میگفت. بدینست انا ره کنیم که منابع موشق تا کید می کنند که همزمان با لشکرکشی ما به ظفر، عده ای از مبارزین ایرانی که در آنروزها در عراق مقیم بودند به منزل آیت الله خمینی در نجف مراجعه میکنند و خواستار میشوند که آقای خمینی این اقدام رژیم را طی اعلامیه ای محکوم نماید. فرزند بزرگ آقای خمینی، یعنی مرحوم سید مصطفی خمینی یکروز بعد جواب میدهد: "ما که نمیتوانیم همه اقدامات رژیم را محکوم کنیم، بالاخره آنها کمونیست هستند!"

آیا همین سیاست نیست که در ایران پس از شاه، در دنیا ده میشود؟! و این سیاست در خدمت کیست!؟



# کار برای کارگران، زمین برای دهقانان



### فلسطین - ایران : يك سنگر



روز پنجشنبه ۱۳ دیماه، بدعوت سازمان ما مراسم با شکوهی بمناسبت یادروز هفتمین سالگرد انقلاب مسلحانه خلق فلسطین، در سالن ورزش دانشگاه صنعتی شریف برگزار شد. پوسترها و پلاکاردهای متعددی که هر کدام مضمون پیوند ناگسستنی بین خلقهای ایران و فلسطین را در مبارزه با امپریالیسم، صهیونیسم، ارتجاع، منکس میکرد دیوارهای دانشگاه و سالن برقرار کرد. جشن را تشریف مینمود، بزرگداشت این روز تاریخی با مقدمات لازم تبلیغی در سطح شهر، و تا آنجا که امکان داشت، همراه بود. نمایندگان اراکین با هیأتی مربوط به فلسطین در محوطه دانشگاه صنعتی شریف ترتیب یافته بود. ونواری از سرودهای فلسطینی همراه با ترجمه در اختیار علاقمندان قرار گرفت. چندین هزار نفر در این مراسم شرکت نمودند و حمایت خود نسبت به مبارزه انقلابی خلق فلسطین را با شور و تحسین برانگیز اعلام داشتند. مراسم با سرود گلبیلا نترنا سیونال و سپس سرود ملی فلسطین (بلادی، بلادی) در حالیکه حضار بیجاخته و مشتاهی خود را در فضا گره کرده بودند آغاز شد. بعد برای آدای احترام به شهدای هردو انقلاب، حضار یک دقیقه سکوت کردند. سپس پیام سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر بمناسبت برگزاری این جشن - قرائت گردید. در این پیام گفته شده بود:

" ۱۵ سال پیش، انقلاب خلق رنج دیده فلسطین پس از شکستها و پراکندگیهای بسیار وارد در مرحله نوبینی از حیات خویش گردید. با تجربه گیری از شکستهای گذشته و با بی بردن به ما هیت ضد خلقی ارتجاع عرب و رهبران سازش - کار فلسطینی حرکت انقلابی و سازمان یافته نوبینی آغاز گردید. با انجام اولین عمل مسلحانه در سرزمینهای اشغالی بر علیه دشمن صهیونیستی راه نوبینی در پیش پای خلق فلسطین گشوده شد. بین نسبتهای قبلی شکست و سازمان الفتح توانست با جلب حمایت توده های فلسطینی و وسیع آنان ادامه حرکت خود را تضمین نماید."

همچنین باین نکته اشاره شده بود که:

" امروز در شرایطی این جشن را برگزار می کنیم که هیئت حاکمه جدید علی رغم تبلیغات خویش از زبان یزیدی ها و امیران نظامها، رسماً اعلام میکنند که از هرگونه کمک مالی و مادی به انقلاب فلسطین خودداری میکنند و این در حالی است که به کمک با ندرمانان کمکهای فراوانی از جیب خلقهای ایران به سازمان ارسال داده میشود. سازمانی که همیشه از پشت به انقلاب فلسطین خنجر زده است. علاوه بر این ما شاهدیم که چگونه چمران حتی در مساجد بر علیه انقلاب فلسطین سخن میگوید و چگونه هیئت حاکمه کوشید دفتر سازمان آزادی بخش فلسطین در خوزستان را ببندد. بنا بر این وظیفه نیروهای انقلابی است که پیش از پیش در تبلیغ آرمان و اهداف خلق فلسطین در بین توده ها کوشا باشند. همبستگی انقلاب ایران و فلسطین را در مبارزه بر علیه امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع توضح دهند و در همین رابطه چهره فریبکارانه هیئت حاکمه را افشا سازند."

در پیامی متحدانه عمومی دانشجویان فلسطینی شاخه ایران که بعداً قرائت شد منجمله چنین سخن آمده بود:

سهیم هستند، آشکارا سخند، آنان را اشتقاقی از خرده بورژواها، دمکراتهای انقلابی و نیروهای مارکسیستی در عرصه مبارزه مسلحانه ایجاد کرده اند. اشتقاقی که هنوز با برجاست، نیرو - های مارکسیستی جنبش را در دور درازی در پیش دارند و در این راه جنگ لبنان تعیین کننده است، همچنان که مکانات رشد نیروهای انقلابی در منطقه و تغییرات ناشی از آن.

رفقا! اینکه سازمان پرافتخار شما دست به احیای این مراسم در این روز شکوه زده است دلیلی است بر روابط استراتژیک و بهم پیوسته خلقهای ما، پیوندی انفکاک نا پذیر و مستمر، پیوندی است در راه یک نبرد طولانی با امپریالیسم و صهیونیسم، و استوار و پرشمار در راه مبارزه با ارتجاع داخلی، با سازمان غارتگر و وطن فروش."

بعد، پیام دانش آموزان و دانشجویان هوادار سازمان پیکار خوانده شد. سپس دو دانش آموز خردسال که یکی شماری و دیگری نوشتن بود و دیگری آنرا با شور تمام خواند پشت تریبون قرار گرفتند و از سوی دانش آموزان هوادار سازمان، دبیرستان ابوذر جشن فلسطین را تبریک گفتند. دربار انقلاب فلسطین و مراحلی که تا کنون خلق فلسطین از سرگذرانده مقالاتی تهیه شده بود که تیتراژها را بترتیب زیر میخوانند گزارش کرد:

آغاز انقلاب، جنگ ژوئن ۱۹۶۷ اعراب و اسرائیل، جنگ کرامه ۱۹۶۸، توطئه ها در لبنان و اردن (سپتامبر ۱۹۶۷)، مرحله مبارزاتی و تلاش برای تجدید قوا، جنگ لبنان و داخل است سوریه و سقوط تل اویز، جنگ در جنوب لبنان و انقلاب ادامه دارد.

چندتا از مقالات فوق که در فواصل آنها پیامها، شعرها، شعارها و نیز سرودهای فلسطینی همراه با ترجمه اجرا میشد قرائت گردید و امیدواریم این مقالات پس از تکمیل بصورت جزوهای منتشر گردد.

دوستان از رفقای که مشخصاً در جنگهای لبنان در سالهای ۵۲ و ۵۵ شرکت داشته اند برخی از خاطرات خود را برای حضار بیان کردند و از انقلابیون ایرانی که در جبهه های نبرد فلسطین مشارکت داشته اند یاد نمودند.

پیامی نیز از سوی زحمتکشان اسلام شهر هوادار سازمان پیکار روپیا می دیگر از سوی جمعی از کارگران پیکار خوانده شد.

در پایان و پیش از نمایش فیلم فلسطینی "الارض" که بخشی از مبارزات و نظاهرات مردم داخل سرزمینهای اشغالی بمناسبت روز ۳۰ مارس را نشان میداد، قطعه ای میخواندند که قرائت شده متن آنرا در زیر می آوریم:

قطعه ای باین مراسم ما شرکت کنندگان در جشن با نزد همیمن ما لگرو انقلاب مسلحانه فلسطین، ضمن تبریک این عید ملی به خلق قهرمان فلسطین در داخل

" امروز ما همراه با یکدیگر، با نزد همیمن ما لگرو آغاز انقلاب فلسطین را جشن میگیریم. ما لگرو روزی که انسان فلسطینی تفنگ بدوش گرفت و مبارزه دشوار خویش علیه صهیونیسمتای تجا و زگر به سرزمین آباء و اجدادش را آغاز نمود. فلسطینی، بعد از توطئه های نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی علیه سرزمینش، بعد از آنکه درک کرد برای باز پس گرفتن فلسطین محبوب خود را با غیر از سلاح برداشتن نیست، تفنگش را بدوش گرفت."

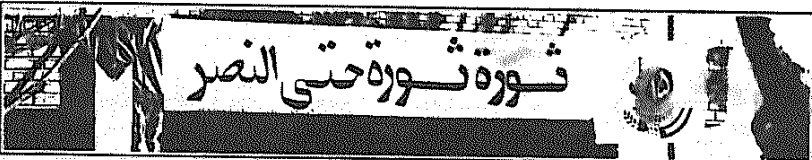
و در جای دیگر:

" ما از شما و از خلق کبیر ایران با خاطر حمایت از خلقمان در سرزمینهای اشغال شده و حمایت از انقلاب فلسطین در مقابل توطئه های امپریالیستی و صهیونیسمتای از کمب دیویس گرفته تا طرح توطئه آمیزی که آنرا خود مختاری ساحل غربی مینامند، تشکر میکنیم."

سپس پیام مجمع دانشجویان مترقی عرب قرائت شد که در آن با لحنی حماسی، پر شور و قاطع سپس پیام مجمع دانشجویان مترقی عرب قرائت شد که در آن با لحنی حماسی، پر شور و قاطع شرایط اجتماع عیوسی ای که منجر به طلوع خورشید انقلاب مسلحانه خلق فلسطین گردید بر شمرده از توطئه ها، ضعفها و غیانتها پورده برداشته بود، منجمله به عبارت آزار و ریزیو - نیستی اشاره کرده و چنین می گفت:

" آنان (انقلابیون فلسطینی) غیانت است احزاب "کمونیست" در شوروی و در کشورهای عربی را به آرمان خلقها و آرمان طبقه کارگر، تاسیت کردند. ائتلاف غیانتکارانه این احزاب با سرمایه داران دولتی را مفتضح و بر ملا کردند و در مورد کمدی انتقال مالمت آمیز قدرت نیز آق قدرتی پایگی و یوغالی بودن آنرا عیان نمودند که با بدگفت وای بحال مدافعان بیچاره این تزها.

رفقا دیگر صحبت از آزار و ریزیو نیسم معنی ندارد، "تحول تدریجی" تحولی است ضد خلقی و ضد ملی و ضد میهنی. بلی رفقا، انقلابیون، عجز از زمانهای خرده بورژوازی ناسیونالیستی را که در قدرت





### راهپیمایی ضد امپریالیستی دانشجویان و دانش آموزان و حمله ارتجاع

زحمتکشان و خلقهای قهرمان، راه نفوذ بیش از پیش امپریالیستی را هموار نموده است .

۳ - از آنجا که به اعتقاد ما مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با سرمایه داری وابسته نمیباشد، مبارزات کارگران بیکار بر علیه سرمایه داران مفتخور و دهقانان زحمتکش بر علیه زمینداران خونخوار و عمل انقلابی زحمتکشان برای مصادره زمینها و خانه های وابستگان، جزئی از مبارزات خلقهای ما بر علیه امپریالیسم بوده و وظیفه خود و دیگر انقلابیون را شرکت هر چه بیشتر در این مبارزات و گسترش آنها میدانیم .

۴ - ما ضمن پشتیبانی از خواسته های برحق خلق کرد، توطئه های هیئت حاکمه را بر علیه آنها محکوم کرده و اعلام میکنیم که هیئت "حسن نیت" دولت همچنان که تاکنون نیز نشان داده است حاضر به پذیرفتن هیچیک از خواسته های برحق خلق گردیده و در تمام این مدت تنها قصد تفرقه در میان هیئت نمایندگان خلق کرده و مشوش کردن ذهن بوده با بر علیه نیروهای انقلابی را داشته است .

۵ - ما ضمن افتای جاسوسان امپریالیسم نظیر انتظا میا و لیبرالهای خائن نظیر ابراهیم که تنها از طریق حفظ و احیای سیستم سرمایه داری وابسته قادر به ادامه حاکمیت خود میباشند اعلام میداریم که علم کردن بعضی از خیانتها و خیانتکاران و سازشکاران و نوکران امپریالیسم تنها سربوش گذاری و آب تظهير ریختن بر اعمال و سیاستهای هیئت حاکمه ضد خلقی است که امروزه بر اثر رشد انقلاب، ایزوله و افشا شده و دعاوی درون آن نیز با لگرفته است .

۶ - در ضمن ما به تمامی نیروهای انقلابی که زست ضد امپریالیستی هیئت حاکمه نسبت به ما هیت واقعی رژیم دجال توهم گشته اند هشدار میدهیم که مواظب حملات و یورشهای ارتجاع و توطئه های جدید آنها بر علیه خلق و انقلابیون و کمونیستهای بوده و هوشیاری خود را از دست ندهند. دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر، دانشجویان و دانش آموزان هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

عصر سه شنبه ۱۰/۱۱/۵۸ یک راهپیمایی ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی از طرف دانشجویان و دانش آموزان و دانش آموزان هوادار سازمان ما ترتیب داده شده بود. این راهپیمایی که از همان ابتدا با مزاحمت و حمله و بیابان فالانز و یورش و زدن سنگها به تیران شروع و پس از پیچیدن خیابان انقلاب، میدان انقلاب، خیابان کا زگر، خیابان جمهوری با یورش فالانزها اجباراً ختم شد. راهپیمایان که شعارهای نظیر: "مرک بر آمریکا، مرک بر سر ارتجاع"، "با صدهزار زخمی دهها هزار کشته"، "امیرانتظام خاشن جراب قدرت رسید" و... این مسیر را طی کردند. فالانزهای نا آگاه و مترجم که مشخصاً از قبل سازمان داده شده بودند اعلامیه ها را سر تا سر دروغ و مستهجن بتاریخ همان روز علیه سازمان ما پخش میکردند و با وجود حفظ متانت از جانب راهپیمایان، فالانزها به صفوف نگاهبانان حمله کرده و آنها را مضراب ساختند. اوج گرفتاری حملاتی اینچنین با دیگر نبض تند ارتجاع را که در هفته های اخیر بر شدت حملات خود به نیروهای انقلابی و مترقی افزوده است نشان می دهد .

در این راهپیمایی قطعاً ما می توانیم متوجه در زیر قسمتی از آنرا ملاحظه میکنید:

۱ - اعلامیه خطاب به خلقهای مبارزان ایران از جنبش توده ها، خیانت لیبرالها و بحران اقتصادی - اجتماعی که نسبتاً نه گندیدگی سیستم سرمایه داری وابسته است و... سخن گفته و اعلام نموده است که:

۱ - همانگونه که تاکنون بارها گفته ایم مبارزه با امپریالیسم تنها از طریق قطع نفوذ امپریالیسم و بنا بر این نظام سرمایه داری وابسته امکان پذیر است .

۲ - هیئت حاکمه در مدت یکسال پس از قیام بهمن ماه علیرغم همه ظاهرها ضد امپریالیستی به خود گرفتار شده، تنها کوچکترین قدمی در راه بریدن بندهای وابستگی به امپریالیسم بر نداشتند و بلکه از طریق بازسازی ارتش دست پرورده ژنرالهای آمریکائی و دعوت از سرمایه داران وابسته فراری برای سرمایه گذاری مجدد و سرکوب مبارزات کارگران ،

سرمینهای انتقالی و خارج آن، اعلام میداریم که:

۱ - از حق عادلانه خلق فلسطین در بازگشت به وطن، آزاد کردن آن و ایجاد دولت دمکراتیک فلسطین پشتیبانی میکنیم .

۲ - جنبش مسلحانه خلق فلسطین را جزئی از مبارزه خلق عرب، جزئی از مبارزه خلقهای ستمدیده منطقه و جهان علیه امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع میدانیم .

۳ - ما راه حلهای تسلیم طلبانه را که از سوی امپریالیستها و ارتجاع منطقه تحت هربوشی ارائه میشود و هدف از آن خلع سلاح خلق فلسطین و نابود کردن آرمان اوست، قاطعانه محکوم میکنیم و از نیروهای سازشناپذیر فلسطینی که در برابر توطئه ها و وعده و وعیدها سر تسلیم فرود نمی آورند و بدین پشتیبانی میکنیم .

۴ - ما توطئه بورژوازی وابسته عرب رهبری سادات و همپالکیها پیش، توطئه خود مختاری خلق فلسطین در ساحل غربی و غزه توطئه کنفرانس های بین المللی نظیر کنفرانس ژنو و کمسب دیوبند، توطئه ایجاد تفرقه بین شیعیان جنوب لبنان و انقلاب فلسطین که بوسیله دارودسته امل دامن زده میشود، حملات نیروهای دست راستی لبنان همچنین هرگونه کوشش برای قیومت بر خلق فلسطین و از بین بردن استقلال عمل آنرا محکوم میکنیم .

۵ - ما سازمان آزادیبخش فلسطین را که کلیه سازمانهای انقلابی فلسطینی در آن عضویت دارند بهیچ وجه نمیتوانیم به عنوان خلیف فلسطین نرسمیت ببینیم و از نیروهای انقلابی فلسطینی منجمله الفتح و جبهه خلق برای آزادی فلسطین بر رهبری رفیق ژرژ حبیب حمایت مینمائیم

۶ - ما با تمام خلقهای مبارز و قهرمان ایران اعلام میکنیم که در ایران باید برای انقلاب فلسطین امکانات پایگا هی نظامی، کمپسهای مالی و تبلیغاتی، کمکهای تبلیغاتی نظیر فرستادن رادیوئی فراهم شود. ما سیاست قریب کاری و ستفاده از فلسطینی ها و عدم کمک به آنها را که از سوی رژیم ایران و بوسیله یزدی ها و چمرانها تاکنون اعمال شده محکوم میکنیم .

۷ - ما خواهستار آن هستیم که روابط مستمر انقلابی بین سازمانهای توده ای ایرانی و فلسطینی، بین اتحادیه های کارگری، دهقانی دانشجویی و دیگر اتحادیه های خلقی دولت، ایجاد و تقویت گردد .

۸ - ما به خلق قهرمان و نیروهای مترقی لبنان که سالهاست شدیدترین حملات ارتجاع و امپریالیسم را تحمل کرده و هم دوش انقلاب فلسطین می جنگند، درود میفرستیم و همچنین پشتیبانی خود را از انقلاب خلق عمان اعلام میداریم .

۹ - ما به شهیدای انقلاب فلسطین و ایران، به رزمندگان ایرانی که در پایگا های انقلاب فلسطین آموزش دیده و به انقلابیون فلسطینی که از هیچگونه کمکی به انقلاب و انقلابیون ایرانی دریغ نکردند درود میفرستیم و با خون شهیدان بیمانندیم که تا نبودی کامل سلطه امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع همدو با خلق فلسطین به مبارزه ادامه دهیم .

۵۸/۱۰/۱۲

ارایان برونرو و آنان بخوا هند که از شهر خارج شوند. این مسئله مورد مخالفت نیروهای سیاسی قرار می گیرد.

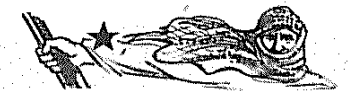
جمعه ۱۰/۱۴/۵۸ - عده ای از متخصصین صبح زود به مسجد جامع رفته و در آنجا متحمن میشوند تا ظاهراً جاش های مفتی زاده این کار را نکنند ولی بعداً معلوم می شود عده ای از اعضا صرفتی - زاده نیز در بین آنها نفوذ کرده و سعی میکنند شعارهای سیاسی را تبدیل به شعارهای مذهبی کرده و حتی چندبار اعلامیه های از طرفداران مفتی زاده پخش می شود.

امروز عده ای از پیشمرگان به محلات فقیر - نشین رفته و لزوم آموزش نظامی را به مردم تاکید کرده و آنان را آموزش می دهند. ظهیر یک جت فانتوم از ناله کمی روی شهر مانور می دهد. نیروهای سیاسی در آیدهاش هستند و در شهر سنگرها همچنان باقی است .

بقیه از صفحه ۶  
توطئه، هیئت حاکمه ...

متوقف شده است. پیش مرگان پیکار رشب قبل به استان داری مراجعه کرده و مسئله محفظت از استان داری را مطرح می کنند ولی به پیشنهاد متخصصین برای جلوگیری از هرگونه درگیری از این کار منصرف می شوند در ضمن امروز شایع است که جاشهای مفتی زاده متحمن دارند در مسجد جامع متحمن بشوند و حتی اعلامیه های برای نیراز طرف آنها برای حمایت از ایدها ساداران برای باقی ماندن در شهر پخش می شود. امروز اعلامیه های برای هوشیاری مردم نسبت به ارتش توسط نیروهای سیاسی در شهر پخش شده و به مردم متذکر شده است که به متحمن و مبارزه سیاسی اکتفا نکرده و ماده مقابل با ارتش و هجوم مجدد آنان باشند.

شب شایع می شودیاریان تصمیم گرفته اند فردا صبح کفن پوشیده و به سمت محل یاسد -



# زیگزاگهای ضد انقلاب و انعکاس یک جانبه آن در صف انقلاب (۳)

## نگاهی گذرا به مواضع سیاسی گذشته "اتحادیه کمونیستهای ایران"

از مسئله قدرت سیاسی در ایران عرضه نکرده و همیشه از یک زاویه خرد - بورژوازی به آن نگاه میکرده اند. بطوریکه یک زمان سرگونی رژیم سرما به داری وابسته در ایران را در "سرنگون کردن رستاخیز" و "داغان کردن پایگاهی شدن رژیم محمدرضا شاه" و با ردیگر در سرگونی دربار پهلوی جستجو میکرد. به نقل قول زیر توجه کنید:

"در میهن ما هرگز در تحت رژیم شاه، نیمچه دمکراسی بورژوازی نمی - توا ند بوجود آید. سرگونی دربار شاه و بدست توده های مردم، پیش شرط هر گونه دمکراسی در کشور ماست" (تا کید از ما ست - حقیقت شماره ۶ اسفند ۱۳۵۵) بدین جهت می بینیم که "حقیقت" ما ز ره بر علیه سرما به داری وابسته

● اگر "اتحادیه کمونیستها" در گذشته ارتجاع داخلی و بطور عمده سلطنت پهلوی را از امپریالیسم جدا می کرد، اکنون این نیرو همچون نیروهای دیگر مانند چریک های فدائی مبارزه ضد امپریالیستی را علاوه بر مبارزه با ارتجاع داخلی و ضد انقلاب جدا کرده است.

و در رأس آن شاه را تحت عنوان مبارزه برای "سرنگونی دربار شاه" بصورت یک مرحله و "پیش شرط هرگونه دمکراسی در کشور ما" در آورده است. این درک، درک لیبرالی از قدرت سیاسی ایران بیش از قیام بیهمن ماه است، زیرا "سلطنت" را که ما سائیکی از ارکان و اجزا سیستم سرما به داری وابسته و سلطه امپریالیسم در ایران بود (هر چند که جزء مهمی از آن باشد) از خود این سیستم جدا کرده و بنا بر روی سلطه امپریالیسم و سیستم سرما به داری وابسته را هدف بلاوا سط انقلاب ایران و مبارزات توده ها قرار نمیدهد. کما اینکه در نتیجه قیام نیز رژیم سلطنت و "دربار پهلوی" و "رستاخیز" سرنگون شد، اما سیستم سرما به داری وابسته علیرغم مدیدن، بدلیل ما هیت نیروهای سیاسی مسلط برجستیش، کماکان حفظ گردید. این درک وجوه مشترکی با درک لیبرالی رفیق جزنی که مبارزه بر علیه سرما به داری وابسته و در رأس آن با ندم زور شاه را تحت عنوان "مبارزه بر ضد دیکتاتوری شاه" از مبارزه ضد امپریالیستی جدا میکرد، داشت و بسا ن نزدیک میشود.

اما اگر "اتحادیه کمونیستها" در گذشته ارتجاع داخلی و بطور عمده سلطنت پهلوی را از امپریالیسم جدا میکرد، اکنون این نیرو (۲) همچون نیروهای دیگر مانند چریک های فدائی مبارزه ضد امپریالیستی را از مبارزه با ارتجاع داخلی و ضد انقلاب جدا کرده و با پشتیبانی از خرد - بورژوازی مرفه سنتی، یعنی بخشی از هیئت خاکمه که از زبان تلفیق شورای انقلاب و دولت دیگرکا ملایم ضد انقلاب بیوخته است، بنوع دیگری این گرایش لیبرالی و رویزیونیستی را از خود نشان میدهند.

### برخورد منشویکی اتحادیه به بورژوازی لیبرال ایران

انحراف دگما تستی "اتحادیه" در برخورد به جا معا ایران و آرایشی نیروهای طبقاتی موجود در آن، منجر به آن شده که این آرایشی را در جا معه سرما به داری وابسته ایران درست منطبق با آرایشی طبقاتی جا معه نیمه - مستعمره - نیمه فئودال چین قلمداد دفا بدودراین زمینه در راست روی شود، به عنوان مثال میتوان از برخورد این نیرو به بورژوازی لیبرال در بقید در صفحه ۱۲

(۲) - هر جا که نام "اتحادیه کمونیستها" را در رابطه با دوره اول فعالیت این جریان (خارج کشور) ذکر میکنیم منظور آن نیروی است که کل نیروهای منشعبه کمونیستی (اتحادیه کمونیستها، اتحاد انقلابی - رهاشی کار و روزندگان م. د) را در بر میگردد و در آنجا که این نام را در دوره دوم بکار میبریم منظور همان بخشی است که بنا را از نشانیات تحت این نام فعالیت می کند.

ما در شماره های قبلی پیکار، مختصراً و با اشاره به اسناد و مدارک، خطوط کلی مواضعی را که "اتحادیه کمونیستهای ایران" در رابطه با رویدادهای سیاسی اخیر ایران، اتخاذ نموده است توضیح دادیم. در این شماره ضمن اشاره مختصر به برخی مواضع سیاسی این نیرو در دوره اول فعالیتش (خارج کشور) به بحث پیرامون مواضع این نیرو در دوره دوم (پس از ورود به ایران) می پردازیم.

موقعیت خاص فعالیت سیاسی و عملی گروههای خارج از کشور در طی سالهای گذشته، که ویژگی آن همانا دوری از جریان مبارزه طبقاتی و عمل انقلابی و بویژه جدائی از مبارزه طبقه کارگر از یک سو و محصور ماندن در حصار رنگ جنبش دانشجویان مبارزان خارج از کشور از دیگر سو میباشند. زمینه بروز و عملگر یک سلسله انحرافات و نقطه نظرات انحرافی را فراهم میساخت. این انحرافات که در کلیت خویش یک انحراف اپورتونیستی راست را تشکیل میداد، در زمینه عملی منجر به پاسیفیسم سیاسی این نیروها (که در اینجا مورد نظر ما نیست) و در زمینه نظری مبنای شکل گیری یک جریان سوبژکتیویستی (ذهنی گرایی) قوی در این نیروها می گشت. "اتحادیه" کمونیستهای ایران" در آن زمان نیز در دایره چنین انحرافات قرار می گرفت. در واقع دوری رفقای "اتحادیه" از فعالیت انقلابی داخل کشور و پیرو عینی مبارزه طبقاتی در آن زمان، این نیرو را بتدریج از واقعیت عینی جا معه دور کرده و به یک ذهنی گرایی قوی و عمیق که در تما می عرصه - های فعالیت نظری خود را نشان میداد، دچار مینمود.

این انحراف از آنجا بود که در واقع رابطه طبیعی میان تئوری و پرا تیک، فعالیت نظری و فعالیت عملی، که دو جنبه اساسی و مکمل پیرو سه طبیعی و منطقی شناخت پدیده ها ست، قطع میگردد و تئوری پشتوانه پرا تیک، یعنی عناصر اصلی پیرو سه شناخت را از دست میداد.

تجلی اصلی انحراف سوبژکتیویستی رفقای "اتحادیه" در عرصه تئوری قرار گرفتن بر راستای یک درک دگما تیک قریب به سازانه از مسائل انقلاب ایران و الگوبرداری از تئوری انقلاب چین در تبیین مسائل جا معه و انقلاب ایران بود. (۱)

این دگما تیسزم و الگوبرداری مانع از آن میشد که "اتحادیه" تغییر و تحولاتی را که در بافت جا معه ایران، در طی سالهای پس از فرم ارضی صورت گرفت و بر اثر آن جا معه ایران به تبعیت از نیازها و ضروریات سیستم امپریالیستی، بتدریج از یک سیستم نیمه فئودال - نیمه مستعمره، به یک سیستم سرما به داری وابسته تغییر یافت، درک کرده و گوش نماید تا این تغییر و تحولات را بطور عینی و در پیرو سه تکامل تدریجی اش، با استفاده از آموزه های مارکسیستی - لیننیستی و تجربیات جنبش کمونیستی و کارگری جهانی، تبیین نماید و نتایج تئوریک، سیاسی و عملی آن را مورد ملاحظه قرار دهد.

آنها بجای این کار، در مصادات نظایق مکانیکی قوانین و مسائل انقلاب چین بر انقلاب ایران برآمده و زهمینرو نه تنها از تحلیل صحیح اوضاع اقتصادی - اجتماعی ایران بدور افتادند، بلکه بدنبال آن در سیاست و خط مشی نیز دچار انحراف راست روانه ای شدند که به مواردی از آن اشاره میکنیم:

### برخورد به قدرت سیاسی

رفقای اتحادیه در پیرو سه فعالیت خود هیچگاه درک صحیح و روشنی (۱) - البته این انحراف تجلیات دیگری هم داشت که از جمله میتوان در دنیا له روی از سیاستهای کشور سوسیالیستی چین (قبل از حاکمیت داور دستاره رویزیونیستی اخیر) "باز دستگاره افشاگرانه" برای ایجاد حزب کمونیست، که با بنیان را از انقلاب روسیه کپی برداری شده بود، و اعتقاد به "اندیشه ما ثو تسه دون" (بمنا به یک مرحله توپین و جها نشمول از تکامل مارکسیسم - لیننیسم و... نام برده که برخورد به آنها در این مقالات مورد نظر ما نمی باشد.

ماسک آزادیخواهی و ضد امپریالیستی لیبرالهای سلطنت طلب دیروز را از چهره آنان برداریم

## گرامی باد یکصدمین سالگرد تولد حیدرخان عمواوغلی (۲)



اندیشه‌های سوسیالیستی و نفوذ آن در بین ایرانیان

### آشنایی با مارکسیسم

در نیمه دوم قرن سیزدهم هجری مهاجرت ایرانیان به کشورهای خارج اوج بی سابقه‌ای گرفته بود. توده‌های مردم که بنا به آمارهای موجود ۸۵٪ آنان را دهقانان تشکیل می‌داد، از فرط گرسنگی و سیه‌روزی همراه با خانواده‌های خود جهت کسب روزی و نان بخورنومیر به خارج و بخصوص به همسایه شمالی، روسیه مهاجرت می‌نمودند. بنا به آمار موجود در سال ۱۹۱۸ میلادی

قرن سیزدهم هجری و بخصوص نیمه دوم آن مصداق بارش در سرمایه‌داری در ایران و دوران گذار از شیوه تولید فئودالی به شیوه تولید سرمایه‌داری است. این دوره رشد و گسترش علم و فرهنگ است. اینک تحت سیاحتی استعماری انگلیس و روس نتوانست سیر طبیعی خود را طی کند و آهنگ رشد آن به میزان قابل توجهی کند شده نتوانست عناصر ذهنی و معینی خود یعنی رشد علم و آگاهی، پیدایی روشنفکران و بدنیا آمدن اندیشه‌های سوسیالیستی از یک سو و بورژوازی قدرتمند و روش‌دینا بنده و به همراهش فضا و طبقه کارگر از سوی دیگر را تمام و کمال بماندند نمونه‌های اروپائی بوجود آورد، ولی بهرحال سرمایه‌داری از همین کوره‌هاها بهتر درج رده می‌گشود و ملزومات خود را نیز در دل خود بوجود می‌آورد.

قدیمی‌ترین سندی که درباره سوسیالیسم در مطبوعات ایران یافت می‌شود به تاریخ ۸ مارس ۱۸۸۰ میلادی برمی‌گردد که در شماره ۴۱۲ روزنامه ایران بصورت مقاله‌ای درج شده است. این مقاله علیرغم اینکه از دیدگاه سوسیالیسم علمی نوشته شده و تفاوت اساسی بین سوسیالیسم بورژوازی و خرده بورژوازی از یک سو و سوسیالیسم علمی طبقه کارگر را درک نمی‌کند، علیرغم اینکه نظریه‌های سوسیالیسم نداشت و تحت تاثیر باطنی رایج به تکرار آنها مانتی از قبیل "اشتراک زنان و" "استقلال محرمات و ابا حه فواجش" در میان سوسیالیستها برداخته است، ولی بهرحال در مقایسه با مواضع روزنامه "فرهنگ" که همزمان با آن منتشر می‌شود نوشته‌های کینه توزانه نسبت به سوسیالیسم از قبیل "رد تجریدی" اثر سیدجمال‌الدین اسدآبادی را چاپ می‌کند، نقش مترقیانه‌ای را داشته است و بر روی خوانندگان ایرانی اثری مثبت می‌توانست داشته باشد.

ایده‌ها و اندیشه‌های سوسیالیستی از نوع سوسیالیسم تخیلی در تاریخ خلقهای ایران نیز همانند اروپا و اکثر خلقهای جهان وجود داشته است و خلق ایران از این نظر تاریخی غنی و ارزمند است. آتش که در او خ حکومت فحاک برعلیه استبداد و مظالم و پادشاهت، مزدکیان در دوران سلطنت سلطان قباد، قرامطه، اسماعیلیه، بهریری حسن صباح و بخصوص دردوران حسن ابن محمد، ایده‌های سوسیالیستی سبز وری و... نمونه‌های برجسته اینگونه افکار و جنبش‌ها می‌باشد. اما افکار سوسیالیستی علمی معاصر از طریق روسیه به ایران رسوخ پیدا کرد. با بپایی او جگرگیری جنبش‌های بختی در میان توده‌ها و روشنفکران، سطح آگاهی‌های سیاسی نیز به میزان فوق‌العاده‌ای بالا رفت. و به همین اندازه نیز زمینه برای رشد سوسیالیسم علمی و تشکیل گروه‌های رزمینده سوسیالیست در کورتهای تهران فراهم شد.

آورد. در این سالها ارسال مطبوعات انقلابی و از جمله پیکار از طریق برلین - وین - تبریز با کوشش و وسوسه نقش بسیار مهمی را در بنسبند ما رگسیسم در بین ایرانیان و ارتباط سوسیالیست‌ها با روسیه و ایرانیان ایفا کرد. همچنین ایرانیان از طریق همین راه مطبوعات انقلابی خود را در روسیه چاپ نموده و به ایران وارد می‌کردند. همچنانکه "روزنامه غیبی" که در اصفهان تهیه می‌شد، پس از چاپ در پترزبورگ سابق دوباره به ایران وارد می‌شد.

### ورود به ایران

چنانکه زخا طرات حیدرخان بقلم خود می‌نویسد: در مجله یا دگا ر چاپ شده برمی‌آید، بهنگام سفر اول مظفرالدین شاه به فرنگ و توقف در باکو به تاریخ ۱۲۷۹ هجری، حیدرخان در مقام مهندس برق جهت کارخانه‌های برق مشهد استخدام شده و راهی خراسان شد. ۱۱ ماه در آن

"رفقا! ما فرزندان خلقیم و برای احقاق حق خلق مبارزه می‌کنیم. سرمایه‌داران دشمن ما هستند، ما از هر گونه سازش با این ستمگران امتناع می‌ورزیم. اینها خفه کنند و جنبش‌های بخش و مکنده خون مردم زحمتکش هستند. در مبارزه با این ستمگران برای ما، یا مرگ و یا پیروزی است! راه برگشت و عقب نشینی برای ما موجود نیست! ما به پیروزی خود اعتقاد و اطمینان داریم، ما مطمئن هستیم." از سخنرانی حیدرخان عمواوغلی در میتینگ بین‌المللی تارکزان تبریز

شهر اقامت گزید. خود می‌نویسد: "در تمام مدت یازده ماه که من در خراسان اقامت داشتم هر چه سعی و تلاش کردم که بلکه بتوانم یک فرقه سیاسی بدستور (یعنی طبق نمونه) روسیه تشکیل بدهم، ممکن نشد... در این مدت فقط یک نفر، مشهدی ایرانی هم می‌آید که کارخانه گیلتازی آورده مشغول ساختن گیلتازیک شد، با خردم عقیده یافتیم که می‌توانستیم با او صحبت فرقه‌ای بماند و آرم... چون دیدم که کوشش در خراسان بی‌فایده مانده لذا در ۱۷ رجب ۱۳۲۱ (مصادف با ۱۲۸۲ هجری) به تهران اعزام شدم. چنانکه زکفتار حیدرخان برمی‌آید اولین هسته سوسیالیست در خراسان را با مشهدی ایرانی هم می‌آید تشکیل داده است. گفته‌اند حیدرخان همچنین نا به می‌کنند که نوشته روزنامه "مرا" مبنی بر اینکه "با جمعی از کارگران و هم - فکرا نشا اولین حوزه‌های سوسیالیست در مکران را تشکیل می‌دهد" و همچنین مشهدی ایرانی هم می‌آید "کارگران خراسان" (شماره ۱۲۲، ۲۹ آذر) بوده، کاملاً نادرست می‌باشد.

### حیدرخان در تهران

حیدرخان پس از ورود به تهران به توالی درسه "اداره" ماشین خانه، تجارتخانه روسی حمل و نقل ایران و چراغ برق حاج حسین آقا بکا مشغول گردید و از این طریق با توده وسیعی آشنا گردید و با تورتا مبه تبلیغ ایده‌های مشروطه خواهی در میان آنها پرداخت. در این دوره است که جنبش مشروطه خواهی می‌گیرد و حیدرخان بهمناسبت با یک دموکرات پیگیر با تورتا م در این جنبش اوج گرفته شرکت می‌کند. در این میان عکس‌انداختن میونوزیلزکی در لباس آخوندی آنها رخشمنده‌های مردم را در تهران منفجر می‌سازد. در این زمان حیدرخان یکی از پرشورترین و پیگیرترین سازماندهان توده‌هاست. در مرداد ۱۲۸۵ زیر فشار توده‌ها

۲۰۰ هزار نفر ایرانی در روسیه اقامت داشته‌اند. ۲۰ درصد کارگران و کارمندان صنایع نفت با کورای ایرانی‌ها تشکیل می‌دادند. در این سالها روسیه به قدرتمندترین مرکز جنبش کارگری جهان مبدل شده بود و سوسیالیست دموکرات‌ها فعالیت گسترده و قابل توجهی را در میان توده‌های زحمتکش و بویژه کارگران به انجام می‌رساندند. ایرانیان در این محیط انقلابی با ایده‌های انقلابی و سوسیالیستی آشنا شده و با شرکت در جنبش انقلابی کارگری آبدیده و تربیت می‌شدند. وهم‌آزمیان اینان بود که پیشروترین کارگران انقلابی ایرانی بوجود آمده و در دوره‌های بعدی و بهنگام او جگرگیری انقلاب مشروطه و گیلان نقش بسیار عظیمی در انتقال آگاهی سوسیالیستی و انقلابی به ایران و تشکیل هسته‌های سوسیالیست - دموکرات که بعدها در مسیر تکامل ملی خود به حزب کمونیست ایران مبدل شدند، ایفا نمودند.

از طرف دیگر با مهاجرت اجباری گروهی از روشنفکران بخارج از ترس استبداد و خفقان قاجاری و همچنین مسافرت گروهی دیگر از آنان جهت ادامه تحصیل و کسب علم، روشنفکران انقلابی نیز تربیت می‌شدند. حیدرخان تارودیف در سن ۱۱ سالگی همراه خانواده خود به مهاجرت رفت و تحصیلات و زندگی خود را در محیط انقلابی روسیه ادامه داد و در ایران و سپس در تبلیغ به کسب درجه مهندسی برق تا بل آمد. و در همین جا بود که حیدرخان تحت تاثیر سوسیالیست دموکرات‌های روسیه، با مارکسیسم و جنبش کارگری آشنا شده و بصورت یک سوسیالیست - دموکرات بر سر شور و هوشمند درآمد.

در این میان روزنامه‌ها و پیکار که جهت تشکیل واقعی حزب کارگر سوسیالیست - دموکرات روسیه و تشاد که جدی دومین کنگره حزبی از سال ۱۹۰۰ در خا رجه منتشر می‌شد و بخصوص مقالات لنین در این میان تاثیر شگرفی بر روی حیدرخان گذاشت و او را در شما طرفداران مشی لنین در

مظفرالدین شاه قاجار مشروطیت را تصویب می کند. حیدرخان کوشش بسیار زیادی میکند تا از "خارج شدن مردم از سفارت خانه" جلوگیری کرده و به فتنه رتوده ها تداوم بخشد و سرانجام نوده ها بیروزمی شوند و فرمان دوم مشروطیت "مطابق میل و پیشه ها داده شده ها" در ۱۴ مرداد صادر می شود. حیدرخان می نویسد: "زمان انتخاب وکلا رسید... یک حوزه غیر منظمی که از خویشان بازاری تشکیل شده بود که موافق لازم با ضروری جمع شده و نورسینمودند. سعی کردیم که آنها را تحت یک اصولی در آورده، منظم سازیم و به این نقشه موفق شد. دو قسم حوزه تشکیل شد. یکی حوزه خصوصی که عبارت از هفت نفر بود. دیگری حوزه عمومی که انحصار زیاد از خویشان اهل بازار در آنجا عضویت داشتند." با رجوع به گفته های مریخ حیدرخان ثابت می کند، تاریخ تشکیل حوزه خصوصی که در واقع هسته اصلی سوسیال - دموکرات بود بعد از فرمان مشروطیت و در زمان انتخاب وکلا مجلس و در شهر تهران می باشد و در این مورد نیسز گفته های مردم (سماهه ۱۲۲، ۲۹ آذر) مبنی بر اینکه این حوزه ها (خصوصی و عمومی) در سال ۱۲۸۴ و "در شهر مشهد و تهران" تشکیل شده و "بنیاد تشکیل اولین حوزه های اجتماعیه" - عامیون... بتدریج نظرات خیابانی و سنت نشینی در اماکن مقدسه شروع می شود" کاملاً نادرست است.

**اجتماعیون = عامیون و جمعیت های مجاهدین**

در سال ۱۹۰۴ میلادی مطابق با ۱۲۸۲ هجری اجتماعیه - عامیون ایرانیان مخیم قفقاز

(همت) در بنا کو تشکیل شده و طبق مدارک موجود به تاریخ ۱۹۰۶ میلادی آن چاپ و منتشر گردیده است. فرمان مشروطیت سبب واگسری بی سابقه مبارزات توده ها گردید. سازمان

"سلح شویند، مسلح شوید! امروز دیگر امید نمی ماند است، راهی نمانده است، مگر از طریق اسلحه ها ایمان!... به پیش! مسلح شوید! در راه دفاع از حقوق و دفاع از شرف خویش گام برداریم!... زنده باد ملت! مرگ بر دولت جبار زنده باد مشروطیت! مرگ بر استبداد!"

یا جمعیت های مجاهدین به ابتکار اجتماعیه - عامیون ابتدا در تبریز سر برافراشتند، این سازمان به مثابه تشکیلات توده ای سوسیال - دموکرات ها بود که در آن آن هسته اصلی سوسیال - دموکرات ها که بصورت مخفی بود قرار داشتند. این هسته رهبری کننده در تبریز مرکز غیبی ۱۲ نفره نام داشت که انقلابیونی همچون حیدرخان، علی مسیو، مدقیانی و حاج علی دوا فروش در آن عضویت داشتند. مرکز غیبی یعنی هسته رهبری کننده علاوه بر تصمیم گیری و هدایت عملیات جمعیت های مجاهدین، ارگان مسلحی نیز تحت عنوان "کمیته مجری یا فدائیان" داشتند که وفادارترین نیروندان انقلاب ویر - شورترین سوسیال - دموکراتها را در خود جای میداد، و برای حفظ دستاوردهای انقلاب و دفاع از حقوق زحمتکشان حاضر به انجام دشوارترین عملیات مسلحانه بودند. مرکز غیبی تبریز در مسلح ساختن توده ها و آموزش نظامی توده های متشکل در جمعیت مجاهدین، نقش رهبری کننده داشت. مرکز غیبی تبریز متمرکزترین، رزمنده ترین و هوشمندترین هسته رهبری

سوسیال - دموکراسی ایران را تشکیل می داد. پس از تشکیل جمعیت مجاهدین در تبریز به ابتکار سوسیال - دموکرات ها ارگانهای توده ای "سازمان مجاهد سوسیال دموکرات" در باکو "جمعیت ایرانی جمعیت مجاهدین متشکله در مشهد" و انجمن تهران که در آن هر کدام هسته مخفی اجتماعیه - عامیون قرار داشت تشکیل شد. حوزه مخفی اجتماعیه - عامیون تهران که در آن انقلابیون بزرگی چون حیدرخان، ملک المتکلمین و آقا سید جمال و غنچه و در کعبه اجرائی آن فدائیان بشوری چون عباس آقا، میرزا علی اکبر و گروهی از فدائیان باکسو عضویت داشتند توانست اقداماتی چند از قبیل انجمن رجب در خانه وزیر مخصوص محمد علی - میرزا، قتل آقا سید علی و سید عبداللهد بهیچانی را به انجام برساند.

همراه با رشد انقلاب جمعیت های مجاهدین بسرعت در اکثریت شهرهای ایران ایجاد گردیدند. این انجمن ها اگرچه ماهیتی انقلابی داشتند، ولی بطولت برانگیزی سوسیال - دموکراتها، عدم وجود یک حزب سراسری سوسیال - دموکرات و وجود اختلاف نظر در باب ماهیت انقلاب و چگونگی رفتار کمونیستها در قبال آن جنبش سوسیال - دموکراسی نتوانست رهبری این جمعیت ها را بدست گیرد و عیناً سرشار و لیبرال آنها را از هسته انقلابی خود تهی ساختند. بطوریکه با اولین یورش ارتجاع همچون دیوار پوسیده ای فرو ریخته و تنها سازمان رزمنده مجاهدین تبریز بود که به مثابه دژ مستحکم انقلاب در برابر ارتجاع قد علم کرده و شعله انقلاب را فروزان نگاه داشت.

ادامه دارد...

بفیه از صفحه ۱۰

دوره رژیم قلمی ایران نام برد. (۲) اما "اتحادیه" بورژوازی متوسط غیر وابسته (لیبرال) ایران را با سوز و آزاری ملی یک کشور نیمه فئودال - نیمه مستعمره که منکب به تولید داخلی است، عوضی گرفته و بجای سیاست افشا و طرد بورژوازی لیبرال ایران سیاست "حمايت مشروط" (از این بورژوازی خیانت پيشه در پيش گرفته و از آقا بن لیبرالی چون سنجابی ها و فروهرها با خواهش و تمنا میخواستند که "سیاستهای لیبرال" متناهی را کنار گذاشته و اسلحه بدست بگیرند! به نقل قول زیر توجه کنید:

"تورش قهرآميز تبریز درس آموزنده ای بود برای رهبران لیبرال جبهه ملی که میخواستند از گذشته تلخ درس بگیرند و بعداً از اینهمه خفت و آزاری هنوز در هر کلمه میخواستند غلظت نیت خود را به جلاد زمانه نشان دادند و با تصددا رندشاهای صدارت شکست خورده خود را "شاه سلطنت کننده حکومت"، "انتخاب آزاد" (البته در زیر سایه ریش پولیس و ساواک محمدرضا شاه) بخورد ملتی دهند که با خون شهیدان خود در میسازات و مقاومت های خونین اخیر راه انقلاب ایران را گلگون کرده و با صدای

(۳) - در جامه سرما به داری وابسته ایران، دمکرات بودن یک نیرو و درجات دمکراتیسم آن بستگی تا به درجه مبارزات آن با امپریالیسم دارد. اما نمیتوان خصلت دمکراتیک یک نیرو را از خصلت فدا میریالیستی آن جدا دانست. یک نیروی فدا دمکراتیک، لزوماً فدا میریالیست نیست و متقابلاً نیروی که فدا میریالیست نیست، خصوصیت دمکراتیک نیز نمی تواند نداشته باشد. به همین جهت است که امروزه بخش خرده بورژوازی مرفه سنتی هیئت حاکمه، بصورت قرار گرفتن در صف ضد انقلاب و خصوصیات شدید فدا دمکراتیک آن، فاقد هر گونه خصلت فدا میریالیستی (حتی بطور نا بیگانه) است. اما اتحادیه کمونیستهای ایران، دمکرات بودن یک نیرو را از فدا میریالیست بودن آن مجزا میکند و بدین جهت نیروی قد دمکرات (کاملاً فدا دمکرات در این مقطع) را سخرده بورژوازی مرفه سنتی را یک نیروی فدا میریالیست قلمداد میکند.

بلند به این اعلام داشت، خواست ما سرنگونی قهری این رژیم جنا بیکار و بیگانه ندرست است. در مقابل دشمن تا بدندان مسلح تنها راه ما مبارزه قهرآميز و تا به آخر است. شما بهتر است سیاستهای لیبرال متناهی خود را کنار گذاشته و با ما همراه شوید" (تاکیدها از ما است - بنقل از اعلامیه - ای که در ایران از جانب این سازمان در تاریخ ۲۷ خرداد ۵۷۵ بخش شده است - حقیقت شماره ۲۰)

"اتحادیه" نیروی را که بدلیل خصمیتش و نیز خصوصیات جامعه ایران، یک نیروی بینا بینی با گرایش قوی بسمت ضد انقلاب بوده است، نیروی که هیچگاه نه میخواست و نه میخواست بسمت خلق بیا بدویا لآخره نیروی که میبایست منفرد گردد، بسمت خلق میخواستند، او را دعوت به بیوستن بسف خلق میکنند و از او میخواهند که با انقلاب ایران یعنی "سرنگونی قهری رژیم" شاه را بشنود! آنهم در چه زمانی، زمانی که جنبش انقلابی ایران راه اعتلای میباید و این خود بر خصلت فدا انقلابی بورژوازی لیبرال که از ترس رشد هر چه بیشتر انقلاب بدامان ضد انقلاب بنا میبرد و به رژیم شاه "هدار" میدهد، میافزاید و راه هر چه بیشتر از فدا انقلاب دور نموده و به صف ضد انقلاب نزدیک مینماید، و تا زنده در زمانی هم که بناچار بدنیسبال جنبش انقلابی روان میشود، نه از سر "کنار گذاشتن" سیاستهای لیبرال متناهی" بلکه در دست یخا طبریا کردن سموم همین "سیاستهای لیبرال" متناهی "در بیکر جنبش انقلابی خلق، این موقع را میگیرد.

این راست روی ناشی از درک متشوشگی "اتحادیه" از انقلاب دمکراتیک ایران و جایگاه بورژوازی - لیبرال در آرایش طبقاتی جامعه ایران است که این چنین خود را می نمایاند. چرا که این نیرو بورژوازی لیبرال را نه به مثابه یک نیروی بینا بینی که در دوران اعتلای جنبش پیش از پیش به جبهه ضد انقلاب نزدیک میگشت، بلکه در صف خلق جای میداد و بدین سبب موجب مخدوش شدن مرز میان دمکراتیسم انقلابی و لیبرالیسم بورژوازی میشد، ذهن پرولتاریا را نسبت به این نیرو دچار توهم و خوش باوری مینمود، و جنبش انقلابی را در معرض ابتلا به سیاست های لیبرالی و ضد انقلابی و سموم ایدئولوژیک این نیرو قرار می داد.

ادامه دارد...

## هیئت حاکمه با اعدام انقلابیون بیش از پیش خود را رسوا می کند

شهید بهروز نیا را متهم به ربودن هلی - کوپتر به سمت کشور عراق نمود . در حالیکه این افسرانقلابی چون حاضر نشده بود از او امر فرمائنده مزدور خویش که بوی دستور داده بود به پایسگا ه "دزلی" مفردا رودسته قیاده موقت برود و در گشتا ریشمرگه های کرد شرکت کنند اطاعت نکرده و او را به سزای اعمال تنگین خود رسانده بود ، دستگیر شده بود .

خلق همیشه به فرزندان دلاور خود ارج می - نهد . مردم سنج نیز در مرا سم تشیع جنازه شهید بهروز نیا نشان دادند که بهروز در قلب آنان جای دارد . ۵۰۰ هزار نفر از مردم سنج در حالیکه تا بوقت او را با رچه سرخ پوشانده بودند با شاعرها و پلاکاردهای فراوان رژیم را بخاطر جناپتی دیگر شریک محکوم کردند . آنها سوگند یاد کردند که راه شهیدان خود را تا پیروزی برامیرالیم و ارتجاع خواهند پیچود . درود بر همه شهدای راه آزادی و استقلال درود بر شهید بهروز بهروز نیا افسر آزاده و انقلابی

جلادان خلق کرد با ردیگریکی از فرزندان انقلابی خلق کرد را تیریا ران کردند . بهروز بهروز نیا افسرانقلابی و دلیر کردستان چندی پیش به دست رژیم ضد خلقی به شهادت رسید . او فرزند خلق کرد بود . از میان مردم ستم دیده برخاست و در راه خدمت به آنان جان باخت . او نشان داد که حاضر نیست تن به اطاعت کور - کورانه بدهد .

هیئت حاکمه که بلافاصله پس از قیام ارتش در هر یک هشتا هشتا هی را نوسازی کرده است و چمران ها و فلاحی ها ، مدنی ها ، ظهیرنژادها ی جلا و مزدور را در اس آن کما رده است ، با چنین فرزندان انقلابی در درون ارتش طرف است . و علیرغم تمام تمفیه ها و اخراج افسران و درجه - داران مبارزانقلابی نمی توانند بر ا حسی ارتش شانه ها ی را با سزای نماید .

لازم است تذکر دهیم عدا ما بین افسرانقلابی درست در شایبگی صورت می گیرد که هیئت ویژه دولت به اصطلاح مشغول مذاکرات صلح با هیئت نمایندگی خلق کرد بود . رژیم بسدروغ

بقیه از صفحه ۶ قطع مذاکرات صلح ... مفتی زاده های دیگری پیدا کنند به همین لحاظ است که شا هدفتگوهای مشکوک بسیاری بخصومی در نواحی جنوب کردستان هستیم . بدین ترتیب شا هدیم که هدف هیئت ویژه دولت ، بوجود آوردن یک قطب سازشکارا ز جریان های سوزو آشی و ارتجاعی در کردستان در مقابل نیروهای انقلابی و مترقی و سپس معامله با این قطب بر سر منافع خلق کرد است . اما این آقایان تنها یک چیز ناقابل ! را فراموش کرده اند و یک چیز ناقابل ! را نمیتوانند ببینند و آن خلق بسیار خواسته و مسلح کرد است . این جوهری است هیئت حاکمه ضد خلقی در سرخورد به مسائل کردستان است . هیئت حاکمه زمانی که به کردستان لشکر کشی کرد نمیتوانست شکست مفتضحانه خود را بدست خلق کرد پیش بینی کند و امروز نیز نمیتواند درک کند که ما زمانه های مترقی و انقلابی تنها به اعتبار همراهی و بسیج خلق نایسته نمایندگی آنها را دارا نیستیم و در اوضاع کنونی ، خلق کرد هرگز اجازه نخواهد داد که بر سر منافع وی معامله صورت گیرد ، اگر می بینیم که در اجتماع (۵۸/۹/۱) مردم سنج یکی از رهبران رویزیونیست حزب دمکرات مجبور میشود به همراه مردم شمار "مرگ بر حزب توده" را تکرار کند ، اگر ما حده میکنیم که در کردستان برای نیروهای رویزیونیست نظیر توده ها و یها و سه جانی ها جانی وجود ندارد ، اگر می بینیم که نیروهای دمکرات مذهبی که در جریان هجوم وحشیانه رژیم به کردستان به فرماندهی چمران مزدور سکوت کردند ، نفوذی در بین خلق کرد ندارند همه و همه صلح سالای آکا هی خلق کرد را نشان میدهد ، و مسلماً نوطه جدید هیئت حاکمه در کردستان نیز که تحت پوشش عوام فریبانه مذاکرات ، همان اهداف قبلی یعنی ضربه زدن و در نهایت سرکوب جنبش خلق کرد را دنبال میکند ، بشرط افضای همه جانبه آن از جانب نیروهای انقلابی و بخصوص مارکسیست - لنینیستها نقش بر آب خواهد شد .

### زیر نویس از صفحه ۶

- (۲) - قطعنامه متعین استنادی سنج چینی است ؛ در نتیجه مذاکراتی که نمایندگان گروه های متعین در استاننداری کردستان با آقای حسین شاه و ویسی استاندار کردستان و سرکار سرهنگ نورالدین هویدا رئیس شهربانی کرد - ستان بعمل آورده در مورد ریز توافقی حاصل شد . ضمناً نمایندگی افراد منتخب فقط و فقط در خصوص مذاکره پیرامون خروج پاسداران از شهرستان سنج و اجرای موافقتنامه توافق - نامه مورخ ۵۸/۱۰/۱۳ است و بعداً در رای هیچ گونه سمت نمایندگی نیستند .
- ۱ - خروج فوری ویسی قید و شرط کلیه افسران سیا پاسداران از شهرستان سنج بلا - فاصله باید تحقق پذیرد .
- ۲ - حفظ انتظامات در شهرستان سنج بعهده پرسنل موجود شهربانی سنج می باشد که طبق قانون وظایف خود را انجام دهند .



- ۳ - هیچیک از ما کنین شهر حق حمل سلاح بطور آشکاره در داخل شهر ندارند .
- ۴ - حفظ و حراست ساختمان را دیو - تلویزیون که فعلاً در تصرف افراد سیا پاسداران می - باشد به شهربانی واگذار گردد .
- ۵ - حفاظت از فرودگاه سنج کما فی السابق بعهده پلیس فرودگاه است که تحت نظر شهر -

- ۶ - ساختمانهای دولتی که فعلاً در تصرف سیا پاس - داران می باشد به موسسات مربوطه مسترد گردد .
- ۷ - محل باشگاه افسران که فعلاً جایگاه سیا پاسداران است کما فی السابق ( بصورت اولیه قبل از انقلاب ) بعنوان باشگاه افسران مورداستفاده قرار گیرد .

# حق تعیین سرنوشت ، حق مسلم خلقهاست

بقیه از صفحه ۲

انتخابات ریاست جمهوری و ...

رغبتی به شرکت در این انتخابات نشان نمی دهدند و اظهارات صریح برخی از روحانیون عضو شورای انقلاب و رهبران حزب جمهوری اسلامی نیز که علناً عدم شرکت خود را در این انتخابات اعلام داشته اند، دال بر این مسئله است. در واقع روحانیت می گوید که بیشتر نقش "کنترل کننده" را در رژیم جمهوری اسلامی آینده بازی نماید تا شرکت مستقیم در بالاترین ارگان های اجرایی همچون ریاست جمهوری. این مسئله که بیضا هرگز گفت آوری بنظر می رسد، مبین این واقعیت است که روحانیت، که پایه اصلی توهم توده ها نسبت به هیئت حاکمه کنونی بوده و خواهد بود، میکوشد تا از طریق گرفتن در آماج مستقیم حملات جنبش انقلابی توده ها، که هر روز بیشتر از آن عتلا و گستردگی را می بینیم، دوری جوید و با ایفای نقش "کنترل کننده" پایه های این توهم و اقتدار را کماکان حفظ نماید و قدرت مانتور را در برابر فشار جنبش انقلابی داشته باشد. چرا که تجربه همین ۹ ماهه و اثبات کرده است، آگاهی افزایش یافته و توده ها و روشد اعتلای انقلابی جا معد و متفایلا عدم توانایی رژیم در پاسخگویی به احتیاجات اولیه و خواسته های سر حق و عادلانه توده ها، خیلی زود میتواند آنها را در برابر رژیم جمهوری اسلامی قرار دهد و اولین کسانی که بطور مستقیم در معرض این تمامدات قرار داشته و در مسیرتها جم جنبش انقلابی قرار خواهند گرفت، همان ارگان های اجرایی رژیم و بخصوص ارگان های بالائی آن یعنی ریاست جمهوری اسلامی و کابینه دولت می باشد. تجربه دولت بازرگان و روشوئی های اخیر "هیئت آزادی" و عناصر وابسته به آن، که "قریبانی" نهادهای جناح بندی درونسی هیئت حاکمه و حفظ منافع کل قدرت سیاسی شدند، نمونه ای از این "درس" های آموخته شده برای روحانیون سپید قدرت است. این رسوائی که سندخیا نت این جریان و نیز کل هیئت حاکمه را بخصوص در طی دوره ۹ ماهه قدرت گیری آن نشان میدهد، بدانجا کشید که حتی بازرگان، رهبران جریان را مجبور به عدم شرکت در انتخابات ریاست جمهوری نمود. البته این امکان "کنترل و نظارت نیز از قبل و با تصویب اصل "ولایت فقیه" در بالاترین سطوح خود، پیش بینی شده است. بطوریکه حتی کاندیداهای ریاست جمهوری نیز با ایدامافی "ولایت فقیه" گذشته و قبل از اعلام رسمی اسمی آنها مورد تأیید آیت الله خمینی قرار گیرند ("آزادیون" انتخابات ریاست جمهوری، در منطق هیئت حاکمه نیز این چنین است!).

**سوما بینکه** با توجه به نکات فوق بنظر می رسد هیئت حاکمه پیش از همه و برای حفظ موقعیت و اعتبار خویش، در این بحبوحه رسوائی بی دربی عناصر آن، دست روی عنامری بگذارد که تاکنون بدلیل دوری از دایره اصلی قدرت اجرایی و سیاسی و روشن شدن ماهیت آنها توانسته اند اعتبار و موقعیت سیاسی خویش را حفظ نمایند و در میان توده ها، هنوز "پرونده" تیروخاری ندارند. در این میان **بنی صدر** این بورژوازی "عاقل" و "واقع بین" که "راه حل" های جدید و نوظهوری برای نجات سیستم بهم پاشیده کنونی و نجات هیئت حاکمه در کیسه

دارد! - از انشائین بیشتری برای موفقیت بر خوردار است و احتمالاً جناح های قدرتمند رژیم نیز بر روی او انگشت خاوند گذاشت. حمایت های اخیر برخی بلوک های وابسته به روحانیت (هم چون جامعه روحانیت مبارز تهران) بر چنین واقعیتی دلالت دارد.

توده ها، هدفی جز استقرار نظم و ارتجاع سرمایه داری، که بدلیل دفاع از سرمایه به بنا گزیر اساس وابستگی را حفظ خواهد کرد، نخواهد داشت. این مائین دولتی مانند همیشه خواهد کوشید، تا نظام طبقاتی سرمایه داری وابسته را با جرح و تعدیلاتی در آن، قوام بخشد و خود به

● شرکت در چنین انتخاباتی بقصد "دموکراتیزه کردن" آن، بیازی گرفتن منطق طبقاتی، فریب توده ها و روی گرداندن از انقلاب، بمثابه ابزار اصلی کسب قدرت سیاسی و بهبودی واقعی وضعیت زحمتکشان جامعه است.

## اما موضع کمونیست ها و سایر نیروهای انقلابی در برابر "انتخابات" چه باید باشد؟

از نظر ما، وظیفه آنها در یک کلام، طرد و انشای این انتخابات - انتخاباتی که بمنظور تنبیت یک رژیم فدخلقی و ارتجاعی صورت می گیرد - می باشد و نه چیز دیگر! اصولاً مسئله شرکت یا عدم شرکت کمونیست ها در انتخابات دستگا دولتی یک رژیم طبقاتی معین، مسئله ایست که در درجه اول و پیش از همه، به تحلیل آنها از ماهیت طبقاتی و سیاسی آن دولت، که قدرت سیاسی را در اختیار خود قرار داده است، دارد و در درجه اول، مسائل زقبیل، وضعیت جنبش توده ها، معادلات و تناسب نیروهای سیاسی و طبقاتی در جامعه، وضعیت حاکم بر جنبش کمونیستی و نیروهای وابسته به آن و ... مطرح می شوند که اتخاذ تاکتیک صحیح از جانب کمونیستها، در پروتارژیایی دقیق و همه جا نبه از مجموعه آنها میسر می شود.

تاکتیک شرکت از "بالا" در دولت های که بطور کامل در بلوک ارتجاع و ضد انقلاب قرار دارند و بدلیل نیروهای مسلط بر آن دارا ی ماهیت فدخلقی اند، همواره در هر شرایطی از نظر اصولی نامحیح و ضد کمونیستی است. رابطه توده های خلق با چنین رژیمی یک رابطه آنتی-ناپذیر است. منطق پرولتاریا و زحمتکشان جامعه در مقابل چنین حکومتی، منطق تشدید مبارزه طبقاتی، بمنظور درهم کوفتن و بیرون راندن آن از این صحنه مبارزه است.

رژیم کنونی ایران، بنا بر ماهیت طبقاتی فدخلقی و ارتجاعی خود، همچنانکه در گذشته نشان داده ایم - نمی تواند از دایره عملکرد چنین "اصولی" برکنار باشد و از این روست که شرکت در ارگان های اجرایی دولت - تحت هر انگیزه و منظوری - بهیچ روی جایز و اصولی نمی باشد. بیشتر توضیح دهیم.

خیمه شب بازی انتخاباتی هیئت حاکمه برای انتخاب رئیس جمهور رژیم سیاسی آینده ایران، همانند تمام رژیم های ارتجاعی در پی رسمیت بخشیدن و قانونی کردن نهادی است که ابزار طبقات حاکم برای پیشبرد هدفهای طبقاتی آنهاست. و این نهاد با توجه به ماهیت نیروهای حاکم و سیستم اقتصادی اجتماع ایران، نهادی خواهد بود با ماهیت بورژوازی که در هاله ای از روشوئی های نظامات کهنه، ارتجاعی و عقب مانده همچون "ولایت فقیه" پوشیده شده است. این نهاد با مائین دولتی، علیرغم تمام پاپوی فریبکارانه بورژوازی و خرده بورژوازی مرفه سستی، دایر بر "دفاع" از منافع

سنگر دفاع از حقوق طبقات استثنای رگرو ارتجاعی در برابر توده های زحمتکش تبدیل گسردد. "بورژوازی قدرت دولتی را به مثابه ابزاری در دست سرمایه دارها بر علیه پرولتاریا و برضد تمام مردم زحمتکش یکا رمی برد. این حالت در اغلب جمهوری های دموکراتیک بورژوازی ممدق داشته است. فقط خائین به ما رکیسم این رافرا موش می کنند". (لنین، "انتخابات مجلس موسسان و دیکتاتور پرولتاریا" ص ۲۵) هیچ دولتی وجود نداشته است که بهر طبقه یا طبقاتی را برخوردار داشته باشد. تئوری دولت "ما فوق طبقات" - چه این دولت در رسواترین شکل خود دفاع از منافع طبقات ستمگر بر دارد و چه در هاله ای از دموکراسی بورژوازی و یا قدیسیت مذهبی یونانده شده باشد - اکنون دیگر افسانهای پیش نیست و طرح آن فقط برای پوشاندن ماهیت طبقاتی "دولت" است که از سوی ارتجاع حاکم و با فریبکاری را نیرنگت با صورت می گیرد.

حتی "دموکرات" ترین حکومت های سرمایه داری نیز ابزاری رسلطه و حاکمیت بورژوازی ما حب قدرت است که قدرت ارتجاعی خویش را در ظرف ترین و وسیعده ترین اشکال حاکمیت خود، اعمال می کند.

رابطه توده های زحمتکش و خلقها با این مائین دولتی و ابزار طبقات ستمگر و فدخلقی رابطه ای است که میان طبقات ستم دیده و انقلابی با طبقات ارتجاعی و ستمگر وجود دارد. رابطه ای که بر اساس آن وجود یکی درونی دیگری و حاکمیت یکی در سرکوب دیگری معنای دهد و این منطق همیشه تاریخ و مبارزه طبقاتی در برابر رژیم های ارتجاعی بوده است.

کسب قدرت سیاسی بوسیله توده ها، نه از طریق جنبه های بدامطلاح دموکراتیکی که بد وسیله رژیم های ارتجاعی، برای فریب توده ها و اثامین حاکمیت خود، در برابر آنها می گشایند، تا بدین طریق موجودیت خود را ابدی سازند، بلکه از طریق نابودی تهری این دستگا طبقاتی، از طریق درهم شکستن این مائین های دولتی - حتی "دموکراتیک" ترین نوع آنها امکان پذیر و میسر است. وسیله چنین کسب قدرتی نیز چیزی جز انقلاب نیست!

دل بستن به اینک از طریق شرکت در انتخابات رژیم های بورژوازی، پرولتاریا و توده های زحمتکش بتوانند، قدرت سیاسی خویش را برقرار سازند، یعنی از طریق کسب اکثریت آراء در انتخاباتی که در سایه حاکمیت رژیم های سرمایه داری و ارتجاعی صورت می گیرد، قدرت دولتی را بخود اختصاص دهند، و دولت های ارتجاعی را بکنار نهند، فریبی است

که همواره از جانب بورژوازی و نمایندگان آن شکار رونهان آنها از جمله ریزبونیستها در ذهن توده‌های مردم آفاق می‌شود.

چرا به پرولتاریا و توده‌های زحمتکش برای کسب قدرت سیاسی، انقلاب است، انقلاب، انقلابی که در طی آن قدرت سیاسی و مایشین دولتی طبقه ارتجاعی، و تمامی نهاددهای فربیکا را نه فقط هردموکراتیک آنها در هم شکسته شده و نهادهای سیاسی و انقلابی ای که به متا به نطفه مایشین دولتی پرولتاریا و دیگر اقشار خلقی از کوره انقلاب سر بر آورده است جایگزین آن می‌شود دولت طبقات انقلابی جامعه، یعنی جمهوری دموکراتیک خلق را، که تحت رهبری پرولتاریا قرار دارد و روبرو به سوی انقلاب سوسیالیستی دارد، مستقر می‌سازد.

پرولتاریا در صورتی می‌تواند انقلاب را به پیروزی برساند که اکثریت توده‌های زحمتکش را که با بطرف خود جلب نماید و در زیر چتر رهبری خود قرار دهد. اما بدون شک این جذب و جلب، از طریق بدست آوردن آراء اکثریت، در انتخاباتی که تحت سیطره و حاکمیت بورژوازی صورت می‌گیرد، بدست نمی‌آید، بلکه از طریق برانداختن بورژوازی و مایشین دولتی او، از طریق درهم شکستن همین ارگان‌های انتخاباتی بظا هردموکراتیک و برقرار کردن قدرت شورائی توده‌های زحمتکش، و سپس بر آورده ساختن حواش فوری و فوئی زحمتکش شهروروستا و خلقهای تحت ستم و سگونی به مبرم‌ترین نیازهای زندگانی آنها، از همان فردای پیروزی، بدست می‌آید. هرکس این قانون اساسی هر انقلاب را فراموش نماید، ماف و ساده اگر شیدا دنیا شد، یک ساده لوح بیش نیست.

انتخابات در ریاست جمهوری، که اکنون در شرف انجام است، نیز از این قاعده مستثنی نیست. رئیس جمهور منتخب، هرکسی که می‌خواهد باشد، مجری قوانین و برنامه‌هایی است که مینافع و احتیاجات طبقاتی ارتجاع حاکم که تیلور آن را در قانون اساسی دست بخت مجلس خبرگان شاهده بوده‌ایم، بر آورده می‌سازد و نظم سرمایه‌داری و وابسته را علیرغم ایجاد تعدیلات و تغییرات محدودی در آن، حفظ و مستقر می‌کند.

شرکت در چنین انتخاباتی، (که در سایه یک رژیم ضد خلقی برگزار می‌شود) به قصد "دموکراتیزه کردن" آن، به بازی گرفتن منطق طبقاتی، فربیب توده‌ها و رویگرداندن از انقلاب به معنای بهر اراملی کسب قدرت سیاسی و بهبودی واقعی وضعیت زحمتکشان جامعه است. بویژه آنکه جامعه در مسیری قرار گرفته است که اعتلای انقلابی نوینی را نوید می‌دهد، اعتلای نوینی که گشتی پوسیده و ترک برداشته رژیم را با شتاب فزاینده‌ای به سمت گرداب‌های هولناک آینده سرازیر می‌سازد.

بدون شک شرکت در این انتخابات را با شرکت در انتخابات موسسات و ارگان‌هایی چون مجلس موسسان یا مجلس خبرگان و حتی مجلس شورای ملی نمی‌توان مقایسه کرد. شرکت در موسسات نوع دوم، که کمونیستها در شرایط معین و با حرکت از موقعیت جنبش توده‌ای و مینافع پرولتاریا بدان اقدام می‌ورزند، شرکتی است و

برای استفاده از آن به معنای تریبون افشاگری و نزدیکی به توده‌ها از طریق افشای تمامی نظامات حاکم خود آن نهادها می‌کند کمونیستها در آن شرکت جسته‌اند. این شرکت بهیچ وجه قصد بدست آوردن کرسی‌های پارلمانی برای سهمیدن در قدرت سیاسی را دنبال نمی‌کند. کمونیستها و نیروهای انقلابی باید بمنظور آگاه کردن توده‌ها، افشای رژیم و فنی حاکمیت سیاسی و اجتماعی آن، در شرایط معین در پارلمان‌های بورژوازی، بهر شکلی که می‌خواهد باشد، شرکت جویند. و این عمل را چه در خلال انتخابات و چه در خود پارلمان انجام دهند. روشن است که آنها در اینجا نیز مبارزه طبقاتی را نه تنها محدود به این عرصه پارلمانی نمی‌کنند بلکه به آن بعنوان عرصه فروعی مبارزه نگاه می‌کنند. آنها این شکل از مبارزه را تابع مبارزه طبقاتی جریانی را در می‌نمایند و لاغیر، شرکت در انتخابات ارگان‌های اجرایی دولت بورژوازی - منجمله همین انتخابات ریاست جمهوری - بهیچ وجه خصیلت شرکت در ارگان‌های فوق را نداشته و شرکتی است از "بالا" که تنها توهم توده‌ها را نسبت به رژیم طبقاتی حاکم، افزایش داده و ذهن آنان را نسبت به طرق کسب قدرت سیاسی و انقلاب کور می‌نماید.

همانطور که گفتیم، تمام توضیحات فوق در بر تو تحلیل ما از ماهیت رژیم سیاسی کنونی - که بیدیده ما مایشین ضد خلقی و ارتجاعی دارد - معنا می‌دهد. طبیعتاً، آندسته از نیروها نسی که در تحلیل‌های خود از رژیم کنونی ایران، دارای ارزیابی‌های راست روانه‌ای هستند و این رژیم را رژیم مرفقی و ملی و یا داری جنبه‌های مرفقی و نیمه ملی می‌دانند، در تاکتیک‌های خود نسبت به این انتخابات و اصولاً شرکت از "بالا" در چنین رژیم نیز به انحراف خواهند افتاد. و دلایل "قانع کننده" ای برای این شرکت خود را که خواهند داد.

بنابر این این سؤال مطرح خواهد شد که آیا اصولاً شرکت از "بالا" در چهار رچوب یک رژیم مرفقی و ملی، که دارای جنبه‌های خلقی است، می‌تواند صحیح باشد یا نه؟ پاسخ ما این است، که چنین شرکتی از نظراً اصولی ناصحیح نیست، اما مجاز بودن کمونیستها در عمل، برای چنین شرکتی، بسته به مجموعه عواملی است که در سطور پیشین بطور کلی آنها را بر شمرديم.

میزان و قطب‌نمای شرکت کمونیستها در چنین دولت‌هایی ممالح و مینافع پرولتاریا است. و اینکه تا چه حد چنین شرکتی می‌تواند، به بسیج پرولتاریا و توده‌های زحمتکش، به منظور پیشبرد مبارزات انقلاب اجتماعی، نزدیک کردن آنها به کمونیستها، دفع واقعی تشبثات ضد انقلابی و نیروهای ارتجاعی و دموکراتیزه کردن واقعی سیستم سیاسی موجود و... یاری رساند. در چهار رچوب این رژیم مرفقی وجود داشته‌اند، با نظرداشت مسئله اساسی ضرورت حفظ استقلال سیاسی و طبقاتی پرولتاریا، کمونیستها چنین شرکتی را مجاز می‌شمارند.

تجربیات تاریخی جنبش کمونیست - جهانی، و احکام مارکسیسم-لنینیسم و به خصوص آموزش لنین کبیر، بر صحت چنین امری

دلالت دارند. و رود حزب کمونیست چین بدون حزب مرفقی "کومین تانگ" در فاصله سالهای ۲۷-۱۹۲۵، و از این طریق شرکت در دولت است انقلابی تحت رهبری آن در آن زمان، تا کتیک صحیحی بود که این حزب، از موضع مینافع پرولتاریا بدان دست یازید. و نتایج حاصله از چنین شرکتی نیز که بهر اشراش توده‌های وسیع دهقانان و پرولتاریا به سمت این حزب جذب شدند و همچنین عناصر و نیروهای ارتجاعی و ضد انقلابی به میزان زیادی از دستگاه دولتی طرد و رانده شدند، صحت چنین تاکتیک رابیشیوت رساند. احتجاجات تئوریک لنین در رساله "دوتا کتیک"، بمنظور اثبات صحت تاکتیک شرکت در "حکومت انقلابی موقت"، که مایشین بورژوازی - دموکراتیک داشت، نیز بخوبی نشان می‌دهد، که چنین شرکتی از نظراً اصولی صحیح است و فقط مجاز بودن آن در عمل محتاج رعایت شروط دقیقی است که صرف نظر از مابودن برخی از آنها، (منجمله ضرورت حفظ استقلال پرولتاریا) مابقی، به ارزیابی مابشرایط مشخص آن جامعه بستگی دارد، شرایطی که تعیین دقیقی آنها از پیش بهیچوجه میسر نیست.

جای بحث در باره این مسائل تئوریک همیشه زیاست، اما اکنون وارد شدن در این بحثها که آیا شرکت در انتخابات ریاست جمهوری در عمل مجاز است یا نه، در حالیکه ما هیئت ضد خلقی رژیم و نهی بودن آن از هرگونه جنبه مرفقی نه‌ای، بر مامل چنین شرکتی خط بطلان کشیده است، مباحثاتی است مجرد و جد از شرایط و صرفاً در عرصه تئوریک. ما هیئت ارتجاعی رژیم کنونی، جای هیچگونه بحثی بر سر شرایط و چگونگی شرکت در "انتخابات"، و مجاز بودن یا نبودن آن در عمل، برای ماباقی نمی‌گذارد. افشاء و طرد چنین انتخاباتی، بعنوان یک اصل، از پیش بر ما معلوم است.

کمونیستها در اینجا نیز وظیفه‌دارند، چون همیشه اقدامات و حرکات رژیم را، که در جهت قانونی کردن و تثبیت حاکمیت است، صورت می‌گیرد، افشاء نموده و توده‌ها را از دل بستن به چنین انتخاباتی بر حذر دارند. و به آنها توضیح دهند که کسب قدرت سیاسی، در چنین رژیم‌هایی تنها از طریق انقلاب اجتماعی، در هم شکستن مایشین دولتی بورژوازی و استقرار مایشین دولتی پرولتاریا و زحمتکشان امکان پذیر است. آنها باید توضیح دهند که نتایج انتخابات ریاست جمهوری، هرچه که باشد، هیچ شمری بحال توده‌ها نخواهد داشت و تنها میزان سهم - بری این یا آن بخش از بلوک‌های ارتجاع و ضد انقلاب را از قدرت سیاسی، تعیین میکند، آنها باید توضیح دهند که رئیس جمهور آینده، بهر ای است که وظیفه استقرار نظام ارتجاع، حفظ و دفاع از اساس سیستم سرمایه‌داری و وابسته، دفاع از قوانین ارتجاعی ای همچون ولایت فقیه - با لخره مفاصله‌ها خواهد است و واقعی کارگران و زحمتکشان و مبارزات عادلانه آنها را بهیچگونه خواهد گرفت و نه چیز دیگر؛ از این رو دل بستن به نتایج این انتخابات جز فرو افتادن در دام‌های فربیکا را نه‌ای که هیئت حاکمه برای تحکیم موقعیت سیاسی و اجتماعی خود می‌گستراند، چیز دیگری نخواهد بود.



بقیه از صفحه ۱۴ را هیما می...

در ضمن راهیما می یکی از کارگران مبارز  
سندیکا از فعالیت های چند ماهه سندیکا برای  
حاضرین گزارشی ارائه داد. در طول مسیر  
مردم مرتباً به تظاهرات هرکنندگان می پیوستند.

سرانجام صفوف راهیما میان به مقابله  
سینما رگس آبادان رسیده و به اجرا مشغول  
سینما رگس یک دقیقه سکوت اعلام شد و سپس  
قطعاً همه راهیما میان قرائت شد. در پایان  
کارگران و سایر تظاهرات هرکنندگان با شعار:  
"مرگ بر آمریکا" متفرق شدند.

در قسمتی از قطعاً همه کارگران پیروزی  
آبادان و حومه آمده است: "هرجا که میریایسیم  
آمریکا هست در همانجا نیز مبارزه و رزاد رتجایی  
هست، چه مبارزه و رزاد میریایستی از مبارزه و رزاد  
ارتجایی جدا نیست. مبارزات آزادیبخش  
خلقهای ویتنام، لائوس، فلسطین، بلغارو...  
نشان دهنده این قاعده اند.

اینک که میریایسیم آمریکا به مثابه دشمن  
شماره یک در مقابل ما قرار دارد و جنبش

امیرالیستی توده های زحمتکش در اعتلاست  
ما با پیدا زتجارب تاریخی درس بیاموزیم و  
قاطعانه و بی امان و بیگری و بطور خستگی ناپذیر  
بدون درنگ بقطع کلیه مناسبات اقتصادی،  
سیاسی، فرهنگی و نظامی با آن بپردازیم و تا  
زمانیکه این امر تحقق نگیرد این مبارزه به  
فرجام نخواهد رسید و بیشترین فشار را برگزیده  
ما زحمتکشان وارد خواهد آورد و یکی از عوامل  
عمده بی فرهنگی، فقر، بیماری و بیکساری و  
تهدیدستی و کلیه مظاهر عقب ماندگی را در وجود  
این بیکر هجا نخواهیم دید.

ما کارگران پیروزی که بخشی از زحمتکشان  
این جامعه هستیم و ما آنها زیر ستون استعمار  
شدید شرکتها و چندملیتی غاصب و سرما به داران  
وابسته و کارگران داخلی را قرار داده ایم  
با درک رسالت تاریخی خویش با درگیر اعلام  
میکنیم تا قطع کلیه روابط و مناسبات با  
امیرالیسیم آمریکا از پای نخواهیم نشست و  
معتقدیم تا امیرالیسیم در ایران نفوذ دارد  
بحران بیکاری و عقب افتادگی نیز وجود خواهد  
داشت و حل بحران و ایجاد کار در گرو قطع کامل

وابستگی با امیرالیسیم آمریکا میباید شد.  
کارگران زحمتکش پیروزی آبادان و  
حومه در ضمن قطعاً همه ۱۵ ماهه ای خودخواهان  
مصارف کلیدها موال سرمایه داران وابسته به  
شرکتها امیرالیستی و در راستای آمریکا به  
نفع زحمتکشان، اقساط کلیه قرضه های امیرالیستی  
یا لیستی و لغو آنها، لغو قانون کارزدکارگری  
رژیم سابق و تدوین قانون کارجدید با شرکت  
نمایندگان واقعی کارگران، تامین حقوق  
بیکاری، آزادی کلیه کارگران زندانی که  
برای احقاق حق خود و مبارزه کارگران زندانی  
شده اند و در ضمن آن همچنین از خواسته های برحق  
و فدا میریایستی کارگران شرکت نفت لاوان  
(لاپکو) سیریب، زمینکو، پان آمریکن، سوئیر  
- ان و شرکتها ی حفاری نفت که خواهان مبارزه  
و ملی شدن شرکتها میباشند و از خواسته های کلیه  
کارگران بیکار پیروزی سراسر ایران و از  
خواسته های عادلانه و برحق خلقهای ستمدیده  
ایران که خواهان حق تعیین سرنوشت خویش  
هستند، اعلام پشتیبانی و همبستگی کرده اند.  
بنقل از ضمیمه محلی (کمیته خوزستان) شماره ۶

بقیه از صفحه ۱۶

آمده اند و حالا بنده ها شان با کارفرمایان  
معاون وزیرکار رفته اند. وی اضافه کرد که  
وجود بیکاری صاحب کارخانه قبلاً شناخته  
شده و طرفداران، امیدوارم چرا دولتی که  
ادعا میکند ما میزبان است با زهم از او  
طرفداری میکند، به او گفت: اصل، عمل دولت  
است نه حرفها یی، این همان دولتی است که  
از سرمایه داران فراری دعوت میکند که دوباره  
برگردند و سرمایه گذاری کنند. این همان دولتی  
است که به تحسین و تظاهرات کارگران حمله  
میکند، بنابراین اتفاقی نیست اگر این  
دولت از بیکاری ها حمایت میکند. این دولت یک  
دولت سرمایه دار است و طبیعی است که از  
آدمهای مثل بلوری طرفداری کند. در این  
موقع نماینده ها از وزارت کار برگشتند  
نازاحت و گرفته، یکی از آنها گفت: جلسه ما  
گفتند که شورای انقلاب دستور داده است که از  
۱۵۰ تومان بیشتر حق مسکن ندهد. کارگری که  
قبلاً با او صحبت کرده بودم به بقیه کارگران گفت،  
برویم شورای انقلاب، بقیه هم حرف او را تائید  
کردند، موقعی که دست میرفت سوار روی شو  
به او و گفتیم: اگر حالا نتوانستید نتیجه خوبی  
بگیرید نا راحت نباشید، فقط سعی کنید هر چه  
بیشتر به نیروی همبستگی خودتان متکی باشید  
در ضمن وقتی شورای انقلاب خودش قوانین را تصویب  
میکند و دستورها ده که حق مسکن را زیاد نکنند  
بین چرا با زبده و مراجه میکیند، کارگری گفت:  
شاید حسابی از اوضاع، خبر نداشتند، گفتیم:  
علت این نیست که شورای انقلاب خبر ندارد،  
علت اینست که طرفداران روحانی سرمایه دارانست،  
کارگر در حال نوار شدن به روی ما با نایاب و ری  
بمن نگاه میکرد، هنوز به دولت امیدوار بود.  
موقعی که میخواستیم از او جدا شویم، گفتیم: دور نیست  
آن موقعی که کارگران، دوستان و دشمنان واقعی خود  
شان را بشناسند، آنوقت کاری خواهند کرد، کارستان!

از کارگران بیکار پلی اکریل (اصفهان) متحصن در اداره کار حمایت کنیم

برادران کارگران

حدود ۱۲ روز است که عده ای از کارگران  
مبارز پلی اکریل در اداره کار متحصن شده اند  
این برادران کارگر که از زبده زنیما هم ماه  
بیکار شده اند، تاکنون هیچگونه جوابی از  
مقامات دولتی دریافت نکرده اند. اکنون نیز  
بعد از ۱۲ روز متحصن در اداره کار مقامات دولت  
هیچگونه توجهی به خواهشهای آنها نکرده و تنها  
روز اول تحسین یکی از مقامات اداره کار  
اصفهان به کارگران گفته است که: "ممن  
هیچگونه مسئولیتی در قبال شما ندارم."  
خوب میدانیم که بیکاری شری است که در  
خانه همه ما خواهد بود. بیکاری دردی است  
که دیرپا زود است و منگرمه ما خواهد شد. همین چند  
روز قبل بود که نیمی از کارگران شغل شرکت  
فلورا خراج شدند و بقیه هم بزودی به همین  
سرنوشت دچار خواهند گشت. همه ما کارگران شغل  
نیز با یستی در انتظار رجوع سرنوشتی باشیم.  
برادران کارگران همان مقام اداره کار  
حرف خوبی گفت، آنها در قبال ما هیچگونه

مسئولیتی ندارند. و این خود ما کارگران هستیم  
که در مقابل بیکاری مسئولیم، ما هستیم که با  
حمایت و پشتیبانی قاطع از مبارزات برادران  
کارگرمان میتوانیم به خواهشهای ما برسیم.  
بدین جهت از آنجا که این برادران متحصن ما  
به تنهایی نمیتوانند به خواهشهای برحق خود  
که ایجاد کار رود و یافتن غذا متبیکاری است،  
برسند و وظیفه کلیه برادران کارگر چه بیکار چه  
شاغل است که از خواهشهای برحق کارگران  
متحصن "پلی اکریل" حمایت کنند و این وظیفه  
بیشتر از هر کسی بردوش ما کارگران شاغل پلی  
اکریل است که از خواهشهای حق طلبانه برادران  
ان کارگرمان حمایت نمائیم. با حمایت  
قاطعانه خود از مبارزات حق طلبانه کارگران  
پلی اکریل متحصن در اداره کار با حیللهای  
سرمایه داران که کارخانجات رایجی پس از  
دیگری تعطیل میکنند مبارزه کنیم.  
گروهی از کارگران پلی اکریل  
۵۸/۱۰/۹

بقیه از صفحه ۲۰  
با زهم جنایت ..

کارگران نبودند و بستگان قاتلین که حاضر شدند  
برای تبرئه آنها یک میلیون تومان بپردازند  
از فتوادها " (روزنامه ما مداد ۱۵، دیماه) و  
جالبست این استدلال را کسانی میکنند که در  
بنیادی نفاذ کمیته ها یان زیر نظر آنها و  
فتوادها اداره میشوند! بنا بر این "کمیته  
مرکزی انقلاب اسلامی" با چنین استدلال نمیتواند  
خون پاک این شهیدان را لوث کند و خلق خا طسره  
فرزندانش شهید خود را گرامی خواهد داشت و  
مبارزه خود را بر علیه امیرالیسیم و رجوع بیش  
از پیش شدت خواهد بخشید.

بقیه از صفحه ۷ دهقانان مبارزان...  
"میرآباد" تماس بگیرد تا ضمن اشتغال تجر -  
بیات مبارزاتی و کمک به یکدیگر، متحصن  
توطئه های مالکین را درهم بشکنند.  
همیشه بین را ببا طرداشته باشید که  
حفظ و نگهداری کامل دستاوردهای مبارزاتی  
و انقلابی شما، رسیدن به آزادی، رفاه و ترقی  
واقعی، ممکن نخواهد شد تا بنگاه اتحاد  
مستحکم و پایداری که با کارگران و سایر زحمت  
کشان شهری برقرار می کنید، امیرالیستها  
و بخصوص امیرالیسیم آمریکا عوامل داخلی  
آنرا درهم کوبید و حکومت واقعی کارگران،  
دهقانان و دیگر اقشار زحمتکش را برپا دارید.

کارگران برای کم کردن شدت استثمار خواهان نظارت و کنترل بر مدیریت کارخانه میباشند

### گزارشی از تجمع و راهپیمایی کارگران بیکارتهران

طبق دعوت نامه‌ای که قبلا از طرف هیئت موس اتحادیه کارگران پروژه‌های پخش شده بود کارگران بیکار ساعت ۹ صبح در جلوی خانه کارگر جمع شدند.

از همان ابتدا بین کارگران بحثهایی مبنی بر اینکه چکار باید کرد و کجا باید رفت، شروع شد.

مطابق دعوتنامه قبلا تصمیم گرفته شده بود که کارگران بوزارت کار رفته و نمایندگان آنها بدون مذاکره با عمال وزارت کار، از آنها بخواب دهند و بخواهند که به خواسته‌های کارگران جواب دهند لیکن عده‌ای از کارگران معتقد بودند که نباید به وزارت کار رفت زیرا طی چند ماه گذشته و بخصوص طی چند هفته اخیر، مقامات وزارت کار نشان داده اند که نه تنها نمیخواهند به خواست کارگران رسیدگی کنند، بلکه میخواهند با پاس دادن به این طرف و آن طرف کارگران را آلت دست خودشان قرار دهند. این عده معتقد بودند که دولت حامی سرمایه داران وابسته، حتی حاضر به زکرتن در خانه کارگر نشده و از این طریق مانع جمع آوری اسامی کارگران بیکار شده است. وقتی این سرسپردگان حاضر نیستند به کوچکترین خواست کارگران حتی در حرف قبول مساعده دهند، چگونه میتوان با زهم به امیدمذاکره با آنها نشست و دنبال آنها دوید. یکی از این کارگران می گفت: "بعلت این که تاکنون جوابی به ما ندادند، ما باید از طریق مبارزه فعال در بین زحمتکشان تشکیلات واقعی خود را بوجود آوریم. تشکیلات ما در صورتی بوجود خواهد آمد که ما مبارزه فعال و مبارزه‌ای که مطابق با شرایط فعلی و مرحله فعلی باشد انجام دهیم، دیگر ما نباید مثل سابق در خدمت کاره با مقامات و نظایر آنها محسود و فعالیت کنیم، بلکه باید از طریق راهپیمایی در مناطق زحمتکشان، مبارزه‌مان را هر چه فاعلتر کرده و تنوع و وسیعتری را جلب کنیم. حرفها و خواسته‌هایمان را به توده‌ها گفته باشیم تنها بتوانیم همکاران را متشکل کرده‌ایم و هم تعداد کارگر بیشتری جلب نمائیم و با قدرت بیشتری با مقامات روبرو شده، خواسته‌هایمان

را مطرح کنیم...".

در همین رابطه عده‌ای از کارگران صحبت کردند. یکی از کارگران معتقد بود که کارگران باید در عمل اقدام به مبارزه ضد امپریالیستی نمایند و با مبارزه آنها زمانها و خانه‌های سرمایه داران بزرگ و وابسته، اموال آنها را مصادره کنیم و فقط در حرف در خیابان شعار میری برای امپریالیسم ندهیم.

در مقابل، عده‌ای از کارگران معتقد بودند که در حال حاضر کارگران آمادگی این را ندارند که بسمت جنوب شهر و مناطق زحمتکشان نظایر آن حرکت کنند، بلکه با زهم باید تا وزارت کار را هیما می کنند و خواهستهای خود را از مسئولین بخواهند. این کارگران معتقد بودند که با سن ترشیب کارگران در مقابل وزارت کار قرار نخواهند گرفت و آگاهی سیاسی شان بالا خواهد رفت. کارگر دیگری معتقد بود که ما از اعمال دولت خواهان هستیم. ما راتفاضا "نمیکنیم بلکه با زور و فشار تحمیل آنرا خواهیم گرفت. کارگر دیگری از دسته اول در جواب معتقد بود که: "... در شرایطی که کارگران بیکار و خانواده‌شان در فصل زمستان در بدترین شرایط زندگی میکنند، در حالیکه اگر تا دیروز کارگران میتوانستند با دست فروشی و دوره گردی و... لقمه نانی بدست آورند، امروز با این هوای سردا بیشتر هم زده شده اند، و مهمتر از همه در شرایطی که مثل روز روشن می بینیم که مسئولین وزارت کار نمیخواهند هیچگونه جوابی بمانا بدهند، آیا با زهم کارگران را بدنبال اینها کشاندن بجه معنی است؟ کارگران را در خوش باوری قرار دادن یعنی چه؟ مگر اینطور نیست که کارگرانی را که واقعا مبارزه ضد امپریالیستی میکنند، مارک اخلالگرو ضد انقلابی با آنها میزنند؟ ..."

در ساعت ۱۰ بود که کارگران بیکار رگرج نیز بطور متشکل به صف کارگران بیکارتهران پیوستند و در این هنگام شعار "اتحاد، اتحاد، اتحاد" کارگران اتحاد سرداده شد.

بعد از آمدن کارگران بیکار رگرج، کارگرانی که به بحث خاتمه دادند و مطابق قرار قبلی بسمت

وزارت کار را هیما می کردند. کارگران در حین حرکت شعارهای: "زن و بچه‌گرسته میرسش نمیشه مسئولین وابسته حرف سرش نمیشه، بگفتند با زرگان کارگران بیکار روبرو انقلابیست، با زرگان ما زنگار همراهمان رودست‌ها، توفد انقلابی - آمریکای، اجتماع دشمن خلق ما و... داده میشد. بعد از گذشتن از میدان انقلاب، طبق معمول عده‌ای مزدور را جیر شده به همراه عده‌ای تا آگاه دیگری بصف کارگران حمله کردند و شعارها "حزب فقط حزب الله، رهبر فقط روح الله" اسلام پیرو زاست، کمونیست نابود است و... میدادند، اما کارگران چنانها مقاومت کردند و به راهپیمایی ادامه دادند.

در جلوی وزارت کار، قرار شد نمایندگان بدون هیچگونه مذاکره‌ای از مسئولین بخواهند که در خواستهای آنها را پاسخ دهند. لیکن عملا مذاکره با آنها تحمیل شد و آنها بدون هیچگونه نتیجه‌گیری بازگشتند. مسئولین وزارت سرمایه در زمینه‌ها خواست عمده آنها چنین پاسخ دادند:

- کارایجا دخوا هم کرد!
- بیمه درمانی شما مربوط نیست. به وزارت بهداشت مربوط میشود.
- حقوق بیمه بیکاری برای مملکت زیان آور است، چرا که بدون کار پول برداخت کردن، موجب تورم میشود. (این مزدوران آبیانی- دانند که کم کردن از سود سرمایه داران و برداخت آن به کارگران، موجب کاهش تورم میشود!) شما بیکار رکنید تا بعد! (صدوق کمک بیکاران را دبرکنیم و از آن طریق پول بدهیم!)
- در حین اینکه نمایندگان به بحث با عمال وزارت سرمایه مشغول بودند کارگران آگاه در با شین به توضیح مسائل سیاسی و روزگار معده می پرداختند. این کارگران معتقد بودند که فقط با قطع سلطه و نفوذ امپریالیسم است که میتوان واقعا مشکل بیکاری را حل نمود.
- در پایان قابل ذکر است که نمایندگان بدون هیچگونه برنا مه مخمی برای آینه‌ها، برنا مه بعدی را در روز یکشنبه هفته آینده، در جلوی خانه کارگر، تعیین کردند! در حالیکه در عمل محت نظرات کارگران دسته اول به اثبات رسیده بود!

### گفتگویی با یکی از کارگران کارخانه برنز تهران

ها کارها را خراب میکنند؟ گفت چیرزیا دی نمیدانم، اما شنیده ام که توده‌ها بیا که کمونیستند به مصدق خیانت کرده اند. گفت نمی گفته‌شده - ایها کمونیستند؟ گفت خوشن میگویند. گفتیم اولاً اگر بخوانیم در باره شخص یا گروهی چیزی بفهمیم باید از جاهای مختلف درباره آن تحقیق کنیم، ما نباید عصبانیت داشته‌ایم در ظاهر از کارگر کم میزنند ولی در واقع بفتح سرمایه دارها و اینها بکشند و روسیه کار میکنند از حساب کمونیست.

آنچه که در زیر ملاحظه میکنید خلاصه گزارشی است که یکی از رفقای کارگر بیکار هوا دار سازمان برای ما فرستاده است.

روز چهارشنبه (۵/۱۰/۵۸) برای یافتن کار بوزارت کار رفته بودم. جماعتی از زن و مرد بیرون وزارت کار جمع شده بودند به یکی از مردها نزدیک شدم و گفتم: داداش، برای چسی اینجا جمع شدید؟ گفت: چکار دارم؟ گفتم - من برای کار اینجا آمدم، میخواستم بفهمم شما برای چی آمدید، چیزی جوابم نداد، با زور وارد کردم. گفت: شما گفته‌اید که نمیکنید، چون ممکن است کمونیستها بین شما رخنه کنند و کارها خراب بشود. گفتم از کجا میگوئی کمونیست

نان ، مسکن ، آزادی

## گرامی باد خاطره رفیق شهید محمد باقر عباسی

" خاکستران

با دسحرگان  
هرجا که برود

مردی ز خاک روئید."

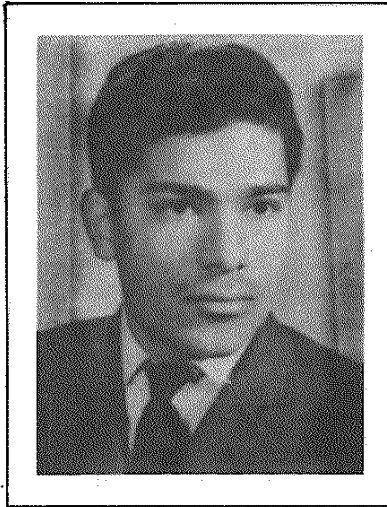
سخن از رفیق شهید باقر عباسی است که عاشقانه در راهرها بی زحمتگان مبارزه کرد، با آنان نشست و بیدارها بیانش عجین گشت، به انقلاب قهرآمیزی آورد، بزندان افتاد و با عشق و امیدبازی زحمتگان و نجات قریبانیان جامعه طبقه‌ای ما در خون خویش در غلتید. او یکی از هزاران ستاره‌سازان انقلاب دمکراتیک - خدا مهربان نیستی میهن ما ست. ستاره‌ای سرخ و تابناک که درخشش و فروغ شایسته خود را در راهی طبقه کارگری - دانست. او از پیشقراولان جوانان مبارز مابوسی مارکسیسم - لنینیسم این تنها ایدئولوژی طبقه کارگر بود.

رفیق شهید باقر عباسی در سال ۱۳۲۵ در شهرستان قم در خانواده‌ای مذهبی بدنیا آمد. دوره اول متوسطه را در قم گذراند و سپس به تهران آمد. مدت ۲ سال در دبیرستان صفوی به تحصیل اشتغال داشت ولی بعلمت فعلیهای ضد رژیم ناجا در سال ششم را در دبیرستان علمیه بگذراند. عشق و علاقه آتشین او به خلق، به کودکان لاغرو نحیف جنوب شهر (که خود آنها را "دوکی" مینامید) و کینه سرشارش به رژیم فاشیست و فاشیست‌ها (حزب ملل اسلامی) پیوست و پس از کشف شبکه مخفی این تشکیلات با نیز ۴۳ بزندان افتاد و در پیدادگاه‌ها سه سال زندان محکوم گشت.

زندانیان برای او مدرسه بود. نحوه مبارزاتش را مورد مطالعه قرار داد و عمیق‌تر و تجربه‌تر گردید. عشق به خلق و کینه به دشمنان خلق و تجربه مبارزاتی، او را آبدیده‌تر میساخت. رفیق باقر با غرض‌شمارهای انقلابی خود دل زندانیان را می‌لرزاند و با مفاومت خود نشان میداد که غل و زنجیر و شکنجه هرگز ما نمی‌در راه رها نمی‌زحمتگان با حساب نمی‌آید.

بلافاصله بعد از خاتمه محکومیت او را به سربازی بردند. با قرار سربازی زعفران و بدآب و هوای خنک و سرد و دندوبه‌شادترین کارها و اداس شدند. هدف در هم شکستن روحیه مبارز و رزم‌آور بود. اما مبارزان انقلابی بود و روحیه انقلابی، شکستناپذیر است.

با قدریادگان، شاه‌چاه‌ها بسیار رتیعضها و جنایتهای پیوده در حق رفقای متعدیده سر - با زشروا میداشتند و به وحشیانه‌ترین شکل ممکن آنها را به بیگاری میکشیدند و بدینسان کینه‌اش آبدیده‌تر میگردد و شعله انتقامش شعله‌ورتر. بعلمت فرارهای مکرر و سرپیچی از او مرزورگویی بعضی از افسران، شش‌ماه به خدمتش اضافه کردند. اگرچه پینش عمیق او در مسائل اجتماعی و شجاعت فوق‌العاده اش نظامیان را با احترام و امیدانت، ولی بعلمت ترس از این عنصر انقلابی بیادگانهای متعدد تشدید میگردد. بعد از سربازی او دوباره به



مبارزه پیوست و با پشتکار خستگی‌ناپذیری تمام نیروی خود تلاش میکرد. نه سال مبارزه پیگیری با قریک محور داشت بیشتر تلاش کردن، بیشتر تجربه آموختن و تجربه را بکار بردن.

وی پس از سربازی ابتدا با یک گروه انقلابی همکاری میکرد، ولی به زودی دریافت که دنیا زبشکل فعلیست استوار و تر و تشکر یافته - تری دارد. بدین سبب پس از تصفیه گروه با چندتن از رفقای پیش‌سازمان "مجاهدین خلق ایران" پیوست.

برای رفیق باقر در آن شرایط، مبارزه انقلابی علیه رژیم محور فعلیست محسوب میشد لذا علیرغم پذیرش مارکسیسم - لنینیسم به مبارزه انقلابی خویش از کانال سازمان مجاهدین خلق ایران ادامه داد. هر چند درک او از مارکسیسم هنوز بدین حد نبود که به لزوم تشکیلات مستقل برای کمونیست‌ها پی برده باشد. رفیق باقر طریکینه شدیدی به دشمنان توده‌ها و شها مت و قاطعیت توده‌های اش سرعت مدارج سازمانی را طی کرد و در مدت فعالیت درون سازمان سمبل پرکاری و مفاومت بود و قبیل از اینکه فرصت تجدیدنظر در شیوه مبارزه اش را پیدا کند علیرغم آنکه به تضادهای درونی این مثنی پی برده بود گرفتار دام او گشت.

او نه بدنبال درس‌دانشگاهی رفت، نه بدنبال شغلی وزندگی ای. وضع لباس و خوراک و زندگی او ساده‌تر از هر کارگر فقیری بود، ولی بلافاصله پس از سربازی بدون اینکه از نظر پلیس شناخته شده باشد، زندگی مخفی را انتخاب کرد تا هر چه از دسترو بیگردد در راه مبارزه گام بردارد.

فداکاری و گذشت، تحمل، مفاومت از ویژگیهای او بود. هر خطری را با وظایف می‌پذیرفت، گویی خطر برای او مفهومی نداشت، بطوریکه در این زمینه، مورد انتقاد قرار می‌گرفت. باقر از زیرکی و چالاک‌های خاصی برخوردار بود، او را بیادبیا و ریم‌کدر زمان شهادت مجاهد قهرمان "احمد رضا" در حدود ۳۰ اعلامیه مربوط به شهادت احمد را در کوچ‌وخیا بان در آن جویلیسی، تک تک بمردم میداد و همچون سایه‌ای گریزان لحظه‌ای بعد از ازبازمان نبود، او در

هیچکاری از خود عجز نشان نمی‌داد و همیشه مشکلاتترین کارها را بعهده میگرفت و آنرا به بهترین صورت انجام میداد. رفقای انقلابی را چون جان دوست میداشت و رفتا روبرمهر و عافه‌اش همیشه محبتی برای تصمیمیت ایجاد میکرد.

او هر وقت فرصتی مییافت با او مشگناه خویش میرفت، آرا مشگناه و قلب توده‌سود. جوشیدن و مهر و با این ستم‌دیدگان حاکمی از احساسات پاک و انسانی او بود. او در میان آنان رسالت خویش را مییافت، با عطف و وفاداری برای بچه‌های لاغر جنوب شهر داستان می‌گفت و با خریدن بستنی لحظه‌ای دل آنها را شاد میکرد و خود از شادی آنان غرق در شغف میگردد. عمل قهرمانانه و انسانی او در برخواستن مسلحانه‌خیا بان آب‌منگل یا شش‌انگشتا دشمن با رزی از عشق او بمردم و کینه نسبت به دشمن بود. در آن روزها قدر بر خوردن با یکی از افراد دشمن که قصد با زسی بدنی او را داشت، او را خلع سلاح میکنند و اسلحه‌اش را بر میدارد، در این موقع که با قدر در محاصره تعدادی شما را از عوامل دشمن بود، با اسلحه‌ای که از دشمن تصاحب کرده بود دست بمقاومت مسلحانه میزند. کسرتدی طبقه محاصره‌ها و اجازت فرار نمیداد. پس با قراتا آخرین گلوله مفاومت کرد و بیگانه دانشجوی پلیس که قصد دستگیری او را داشت و همچنین یک عنصر شور و خور و فروخته را که او هم قصد تعقیب و دستگیری او را داشت، هدف گلوله‌های خود قرار میدهد. با قدر در این لحظه با اینکه بدو عدد نارنجک دستی مسلح بود، ولی بعلمت اینکه انفجار نارنجک با عت‌گشته شدن عده‌ای از مردم میداد زبکار بردن آنها خودداری کرد. درین موقع بخاطر اینکه زنده بدست دشمن نیافتد، با قرص سمی اقدام به جانشانی میکند. با قدر در این حالت که سم بتدریج در بدن او تاثیر میکرد برای مردمی که در اطراف او بودند نیک سخنانی کوتاه که در دهانش نه عظمت روح انسانی او و عشق عمیق او بمردم بود. او چنین گفت:

"مردم من جان و جوانی و همه چیز خودم را در راه شما داده‌ام. با اینکه الان دونا رنجسک دارم که هر کدا مبرای کشتن همه شما کافی است، ولی من آنها را بکار نمیبرم. چه کسی را بکشم؟ شما را؟ محال است. من چگونه میتوانم مردمی را که همه چیز مرا در راه آنها داده‌ام بکشم؟ نه برادران، نه من هرگز چنین کاری را نمی‌کنم". سپس شروع به توضیحاتی در مورد هدفهای انقلابی و انسانی اش میکند. در این موقع یکی از دریده‌چشمان ساواکا او را که دیگر توانایی نداشت، زیرکتک و مشت و لگد گرفت. در این موقع مردمی که اطراف او جمع شده بودند و سخنان وی قلب آنها را لرزاند و روشن کرده بود، بخشم آمده و بر سر آن قاتل دریده چشم ریختند که

با قراتا دست او نجات دهند.

سراجم با قریبها سارتر در آمد. سال من مانندن همه اطلاعاتی که او داشت و اینکه قراتا هایش را با رفقای پیش‌دست دشمن نداده بود، برای ماشکی باقی نگذاشته بود که با قدر در اثر سم یا شکنجه شهید شده است. رفقای با قریبها آسودگی تمام بمدت سه ماه در محدوده اطلاعات با قراتا و مد میگردند. حتی در زندان و نیز خا نوا ده برای او مراسم شهادت گذاشتند. ولی

بقیه از صفحه اول  
"خذف بهره" و امثالها...

کشاوری و تجاری نقش فوق العاده مهمی در مناسبات سرمایه‌داری نمود اعتبارات امپریالیستی و مشتق سرمایه‌داری وابسته یافتن کرده و می‌کنند (۱). رشد توسعه با نگاه، این موسسات غارت و استثمار را در ارتباط نزدیکی با رشد توسعه وابستگی و توسعه سرمایه‌داری وابسته در کشور ما بوده است. نقش با نگاه در ایجاد تورم و گرانی، بحران مسکن، تعمیق وابستگی به امپریالیسم... بویژه در سالهای اخیر گسترش فوق العاده‌ای یافته است و نشان این امر همان تشکیل با نگاه و شعب جدید است که چون قارج در سالهای گذشته از زمین می‌روشد (۲). مادر باره نقش با نگاه در بحران مسکن و تاشیری که این موسسات غارتگر در بالا بردن هزینه مسکن، اجاره خانه و... دانشمند مقاله "ریشه‌های بحران مسکن در ایران" صحبت کردیم و اکنون نیز تنگنای مختصر به دیگر جنبه‌های فعالیت این موسسات برای روشن شدن اینکه هیئت حاکمه امروزه سیاستی در قبال با نگاه در پیش گرفته است ضرورت دارد.

در سالهای گذشته همه خوبی تبلیغات رنگارنگ و برهیا هوی بانک‌ها را برای جذب پس اندازهای مردم پختا طرفداریم. جذب این پس اندازهای کوچک مردم به بانک‌ها این امکان را میداد تا سرمایه خود را افزایش داده و با دادن اعتبارات به سرمایه‌داران بزرگ و وابسته و دریافت بهره‌های کلان (که در واقع بخشی از سود آن سرمایه‌داران بود که از استثمار طبقه کارگر و دیگر استثمارکنندگان بدست می‌آمد) نقش غارتگرانه خود را در خدمت به سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم بقاء کنند. بعنوان مثال در سال ۵۵ جمع سپرده‌های بانک‌ها به ۳۲/۸ میلیارد ریال و مقدار وام آنها به ۳۲/۲ میلیارد ریال رسیده که در مقایسه با سال قبل یعنی فقط در مدت یکسال رشدی معادل ۳۰۰ درصد داشته اند! در حالیکه با نگاه در صنایع چیزی به سپرده‌های کوچک مردمی داده اند. همین با نگاه نرخ بهره -

(۱) - لازم به تذکر است که در خود کشورها امپریالیستی با نگاه بهر حال در ارتولید نقش مستقیم دارند در حالیکه در کشور وابسته ای چون کشور ما با نگاه آن دستگاها نمی‌توانند که در پاسخ به نیازها و سیاستهای سرمایه‌میریا - لیستی مستقیماً جهت سرمایه‌گذاری را را بسوی رشته‌های غیر تولیدی و انگلی ( چون خرید و فروش و واردات، بورس بازی و...) بسوی می‌دهند.

(۲) - در این مورد لازم به تذکر است که تنها در سال ۱۳۵۵ با نگاه اقدام به ایجاد ۲۰۴ واحد بانکی در سراسر کشور کردند بطوریکه در این سال تعداد کل شعب با نگاه موجود در کشور بالغ بر ۴۴۴۴ واحد گردید و با اینکه در عرض مدت ۶ سال (۴۸ تا ۵۴) تعداد بانکهای بازرگانی و تخصصی از ۲۵ به ۲۵ رسیده و تعداد شعب آنها نیز در همین مدت رسماً بقدری یافت.

های کلان برای دادن اعتبارات و وام در میان می‌گردند بطوریکه نرخ بهره معامله شده در تهران ۲۱٪، در اصفهان ۱۸٪، در تبریز ۲۴٪ و در رشت به ۳۶٪ می‌رسد. و این براساسی ارقام حیرت‌آوری است که چنین موسساتی بدون اینکه حتی کوچکترین شرکتی در ارتولید داشته باشند به چنین سودهای کلانی دست می‌یابند. همراه با رشد فعالیت با نگاه و حجم عملیات آنها، هزینه کارمزد و نرخ بهره‌های بانکی بالا می‌رفت تا جایی که بهره تنزیل سفته و اوراق تا حدود ۱۳٪ و بهره صندوق‌های مسکن اکیانان و کورش به ۱۶٪ رسید (در مقابل دریافت ۳۹۲ هزار تومان وام مسکن، متقاضی با بستی حدود ۸۵ هزار تومان در عرض ۱۵ سال بپردازد!) و با مثلاً با نگاه تهران با سرمایه ۵۰۰ میلیون تومانی در سال ۵۵ بالغ ۱۳۳ میلیون تومان ( یعنی نرخ سود ۲۶/۶٪) و با یک صنایع ایران حدود ۳۰۰ میلیون تومان سود داشته اند. وضع با نگاه بانک‌ها نیز همین ترتیب بوده است. نقش انگلی این موسسات غارتگر در جنبه دیگری از فعالیتشان نیز نمودار است. بدین صورت که در سالهای اخیر سوبزه از زمان افزایش درآمد نفت (۵۳) اغلب اعتبارات با نگاه در زمینه‌های غیر تولیدی ( نظیر اعتبارات و وامهای کلان برای بازرگانان و سرمایه‌داری زمین و ساختمان سازی، در زمینه وارد کردن اجناس و وارداتی از خارج کشور توسط بازرگانان وابسته و...) بوده است، که این امر خود سهم بزرگی در رشد تورم و تحمیل فشار بر مردم بوده - های مردم داشته است. برای تأمین این اعتبارات عظیم و در جهت چنین منافع کثیفی بود که با نگاه دائماً احتیاج به افزایش نقدینگی داشته و از آنجا که تا همین این سرمایه‌ها با تبلیغات گسترده برای جذب سرمایه‌های کوچک مردم میسر نبود، با نگاه‌های مختلف پیش از پیش به بانک مرکزی روی می‌آوردند تا با دریافت وام از این بانک مادر سرمایه خود بیفزایند تا دستشان برای انجام این معاملات با زر با شد. و این سبکی به بانک مرکزی کدر واقع صاحب ذخایر ملی ایران بوده مفهوم آن بود که بورژوازی بوروکراتیک کمپرادور ایران تمام منافع تولیدی و ملی را در اختیار بانک - های بخش خصوصی و وابسته قرار می‌دهند تا نقش سنگین خود را در رشد سرمایه‌داری وابسته یافتن کنند. بعنوان مثال پس از افزایش درآمد نفت در سال ۵۳ با نگاه تخم می‌زدند و ۲۰۰ میلیارد تومان بولی که در اختیار داشتند بیش از ۹۰٪ (۱۹۳ میلیارد تومان) آن از درآمد دولت و اعتبارات دولتی و فقط مقدار ناچیزی از محل سپرده‌های اشخاص تأمین شده بود و این پول تماماً بعنوان وام و اعتبارات صنعتی و کشاورزی در اختیار بازرگانان و صاحبان صنایع وابسته و مونساز قرار می‌گرفت. نقش با نگاه به لحاظ وابستگی مستقیم - نایند اعتبارات امپریالیستی نیز بسیار قابل توجه است زیرا که تمامی با نگاه بطور مستقیم وابسته به اعتبارات امپریالیستی اند.

بقیه از صفحه ۱۸  
کرامی با دخالطه...  
بعد از سه ماه از رکود و کنا رخی رسید که با فرزند است. این خبری شورا انگیز بود. معنی این خبر آن بود که سه ماه تمام شکنجه‌های سبانه نتوانسته بودند لب را زدا و با قرار بکشاید. ما یکبار دیگر تا حد ما به شور و شوق انسانی یکی دیگر از رفقای خود بودیم که با مقامت دلیرانه خود دشمن را به عجز آورده بود و با این ترتیب با ردیکراتها تکرار کرده می‌توان حتی در سختترین شرایط و در زیر وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها لب از لب نکشود و تسلیم دشمن نشد. با دلبیری و مردانگی اش جا و دانه‌ها بد.

رفیق شهید باقری با ما به هیت فرصت - طلبان آشنا بی داشت و برای همین با اینک همه میداشتند که وی عظاما رکست - لنینیت سازمان مجاهدین است ولی از سلول خود با رها به زندان نماند و دیگر بیفایم می‌داد که او بیسک کمونیست است تا بدین وسیله راه را برای هرگونه تحریف هیت ایدئولوژیک که امروز ما هدیم چگونه رایج گشته است برینند.

رفیق باقری با ما مجاهد شهید محمد مفیدی، دلاوری دیگری که سراپا قهر انقلابی بود در سحرگاه ۲۱ دیماه ۵۱ تیرباران کردند. برای آنها حتی آن خیمه شب بازی بنا نهادگاه را نیز تشکیل ندادند. گرچه رژیم ما دعا کرد که آنها را به سبب اعدام محکوم کرده است. آنها از محاکمه این انقلابیون می‌هراسیدند، چرا که وی در برخورد قهرآمیز و نیز در جریان با زجوشی به آن آموخته بود که در دادگاه چه خواهد گفت.

بیروز با دمبارزات انقلابی و پیگیری کارگران و زحمتکشان  
درود بر شهدای بخون خفته خلق

بعنوان مثال سه ماه مدار عمده بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران و بانک ایرانیان، بانکهای آمریکا و وابسته به گروه مالی را کفتر نند (این بانکها تا بل فرست ناشال سیتی بانک، بانک سیتی نیویورک، بانک آمریکا... هستند). همین گروه مالی امپریالیستی بود که در اوایل سال ۵۶ برای رژیم ما دامی به مبلغ ۲۰۰ میلیون دلار تهیه کردند. این مسئله از آن جهت قابل توجه است که رژیم چنانکه سابق هنگامی با بهره‌های سنگین از اعتبارات امپریالیستی وام می‌گرفت که خود را زوسی دیگر مبلغ هنگفتی از آنها بانک‌های امپریالیستی را برای جلوگیری از ورشکست شدن آنها خریداری میکرد! سرمایه‌گذار امپریالیست‌ها در تاسیس بانک‌های خارجی نیز انجام می‌گرفت که نمونه آن تشکیل بانک ایران و ژاپن، ایران و هلند، ایران و عرب، ایران و انگلیس، شعب بانک چیس مانهاتان و... بود که چون قارج از زمین می‌روشدند...  
دنباله‌ها رد...

همه قراردادها را اسارت آور امپریالیستی باید لغو کرد!

## تبریک سازمان به خلق قهرمان فلسطین

برادران سرعفات رئیس کمیته جراتی سازمان آزادیبخش فلسطین وفرمانده کل نیروهای انقلاب فلسطین

با نهایت مسرت، با نزد همین سالگرد آغاز انقلاب مسلحانه خلق فلسطین را به شما و به کلیه نیروهای انقلابی فلسطینی و بیوزنه نیروهای عافه و خلق مبارز فلسطین تبریک میگوئیم. هر چه زمان میگذرد، پیوند برادرانه بین خلقهای ایران و فلسطین که از راه راه مشترک خلقی و دو کشور در مبارزه علیه امپریالیسم صهیونیسم و ارتجاع است استوارتر میگردد. این پیوند سرشت سازنا آزادی کامل فلسطین و نابودی سلطه امپریالیسم در سر منطقه ادامه خواهد یافت.

خلقهای ایران ستمدیده، مبارز و قهرمان ایران که در انقلاب دمکراتیک خویش با او ازگون کردند رژیم شاه، ضربه دردناکی بر امپریالیسم صهیونیسم و ارتجاع زدند، همچنان دوشا دوش خلق فلسطین در راه تعمیق هر چه بیشتر انقلاب دمکراتیک خویش به پیش میروند و یقین دارند که روزی شاهداریائی دولت دمکراتیک فلسطین بر ویرانه دولت صهیونیستی اسرائیل خواهند بود. پیروزی ای که با ادامه پیگیرانه انقلاب و نیروی رزم آوران و حمایت شده های زحمتکش فلسطینی میسر خواهد گشت.

انقلاب تا پیروزی

پیروز باد مبارزه خلقهای ستمدیده منطقه اول ژانویه ۱۹۸۰ (۵۸/۱۰/۱۱)

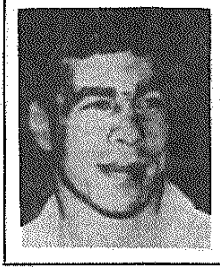
"سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر"

## باز هم جنایت ارتجاع!

دو تن دیگر از عناصر مبارز و مترقی میهنمان، برادران مجاهد احمد عسکری سروستانی و عبدالحمید عسکری سروستانی، قربانی جنایات و توطئه های ارتجاعی هیئت حاکمه گشتند. این دو مبارز در تاسمان گذشته در جریان یک درگیری محلی که به قتل دونفر منجر شده بود دستگیر شدند طبق بیانیه سازمان مجاهدین خلق درگیری با توطئه تحریک آمیز عوامل ارتجاع بر علیه یکی از دو برادر شهید ترتیب داده شده بود.

داسرای انقلاب اسلامی شیراز در جریان محاکمه محدود عبدالحمید عسکری را به اعدام و برادرش را که اسیرا در جریان درگیری داخلیتی نداشت به حبس انبم حکوم میسازد. حکم اعدامی سوا بقی مبارزاتی دو مجاهد مورد اعتراض سپاه پاسداران شیراز قرار گرفته و بتعمیق میافتد. سپس آنها را به قم منتقل میکنند و علی رغم وعده ای که میرای تعیین وکیل به آنها داده میشود، بدون خبر در تاریخ سه شنبه سوم دیماه حکم اعدام دستور دادگاه انقلاب اسلامی قم را اجرا گشته میشود.

## جهان پهلوان تختی، یادت گرامی باد!



تواند رسینه های گرم خواهی زیست  
توبان نبوه پاک مردمان خوب قلب شهر  
خواهی مانسد.

۱۷ دی ماه امسال مصادف است با

دوازدهمین سالگرد شهادت غلامرضا تختی قهرمان کشتی ایران بدست ما مورین جلاسا واک چه بیهوده رژیم کوشید که شهادت این قهرمان ملی را خودکشی اعلام کرده، خاطر او را از اذهان توده ها پاک نماید.

تختی در شهریورماه ۱۳۰۹ در محله فقیر نشین خانی آبا دتهران بدنیا آمد و دوران کودکی را با رنج و مشقت سپری نمود. با رزترین خصوصیت تختی عشق او به توده ها و زندگی با آنها بود. چرا که او خود را جزئی از آنها نمی دانست و با پوست و گوشت خود در درون نجس آنها احساس میکرد. تختی ورزش کشتی را در خدمت اهداف سیاسی و مبارزه با رژیم شاهنشاهی قرار داده بود و همین امر بود که او توانست جای خود را در قلب توده ها بگشاید. شهادت این

قهرمان ملی انگیزه ای برای مبارزات توده ای که پس از سرکوب خونین ۱۵ خرداد ۴۲ فروکش کرده بود، گردید. در مراسم چهارم این قهرمان شهید پیش از نیم میلیون نفر شرکت کردند که این امر در آن سالهای سرکوب و خفقان نمایش عظیمی بود که مستقیماً در باره ریهلوی رژیم مزدور سلطنتی را هدف قرار داده بود. این تجمع عظیم توده ای که با شعارهای مشخصی افشاکننده منجر به زد و خورد با ما مورین رژیم گردید آغاز بود برای حرکات مبارزاتی وسیعتر که در سالهای بعد اوج بیشتری یافت. ما میراه همه خلقهای ستمدیده ایران، خاطرهای این شهید قهرمان را گرامی میداریم.

## حمله به میتینگ فدائیان خلق را محکوم میکنیم!

چنین صحنه های دردناکی هستیم که منحصراً به تحریک باندهای ارتجاعی حاکم و با عتبار ناآگاهی و گرا بیگانه کور مذهبی در میان افتاری از توده ها صورت میگردد. لیکن امروز هیئت حاکمه میگوید با اصطلاح "مبارزات ضد امپریالیستی" خود را وسیله و محملی برای طمس جریانهای انقلابی و مترقی که مبارزه واقعی علیه امپریالیسم را از مبارزه علیه سرما به داری وابسته و ارتجاع داخلی جدا نمیدانند. قرار دهنده این اعتبارات ما مجریانهای مبارزانه و انقلابی مردم، نیروهای کمونیست و انقلابی را بنیانه ضدیت با اصطلاح "مبارزه ضد امپریالیستی" نشان سرکوب کند. امروز افشای توطئه ها و تحریکات هیئت حاکمه و طبقه بسیار حساس و مهمی است که در کنار شرکت فعالانه در مبارزات ضد امپریالیستی توده ها بردوش کمونیستها و تمام نیروهای انقلابی قرار دارد.

درافشای توطئه های امپریالیستی و ارتجاعی هر چه ممیانه تر به پیش!

رساندن فرزندان دلاور خلق کرد و انقلابیون کمونیست میگردد. از این گذشته "کمیته سرکوبی انقلاب اسلامی" که همیشه فراموش خود را سرکوبی کارگران و زحمتکشان حق طلبی فرستد و تاکنون کارگران و زحمتکشان زیادی را در روز روشن بخاک و خون کشیده است (کارخانه یارس میهنورجان، مجمع کارگران سیکسار اطهان و...) شماره "مدافع زحمتکشان از آب درمی آید و عنوان میگردد "مقتولین از طبقه در صفحه ۱۷

عصر جمعه ۱۴ دیماه، دانشکده پلی تکنیک در اجتماع که از سوی سازمان چریکهای فدائیان خلق و در رابطه با افتخارات اسنادی از سازشها و خیانتها هیئت حاکمه برگزار شد، او با شان و چماق بدستان حرفه ای با ردیگر صحنه ای جنجالی و در عین حال دردناک را آفریدند، مهاجمین با چهره های برافروخته و سرها را زتصویب کور خود تنها به دانه شعارهای مبتذل و فدا انقلابی علیه کمونیستها بسنده نکردند. آنها با سنگ و تکه آجر و چوب و هر چه در دست داشتند به جمعیت حاضر در دانشکده حمله ور شدند. بدینال اینها جو حشیا نه بود که زد خورد خونینی در گرفت که منجر به مجروح شدن دهها تن از مردم گشت (از رقم دقیق مجروحین اطلاعی در دست نیست). در پی آن دفا نشینان دانشجویان پیشگام مودا نشجویان هوادار سازمان پیکار در دانشکده پلی تکنیک نیز مورد هجوم و غارت و حشیا نه این عناصر مرتجع و نا آگاه قرار گرفت.

برای نخستین بار نیست که شاهد وقوع

این عمل ارتجاعی مورد اعتراض وسیع نیروهای دمکرات و انقلابی و دانشجویان مترقی قرار گرفته است. ائتوطئه های خائنه و جنایتکارانه هیئت حاکمه پیش از این نیز از نیروهای کمونیست، انقلابی و دمکرات بسیار قربانی گرفته است. در اینجا نیز کسانی که دستشان به خون این جوانان آلوده است وقتی با اعتراض بحق نیروهای مبارزان انقلابی توده ها روبرو میشوند، شروع به دروغ گفتن مینمایند. همان کاری که خلخال جلاسا از اعدا موبتههادت

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست